

هر چه از دوست رسد...

است: از سویی «فمینیست‌های» استالینیستی و مائوئیستی مرا به جرم همکاری با «فمینیست‌های اسلامی» عنوان «جاسوسی برای رژیم جمهوری اسلامی» داده و از سوی دیگر قلمزنان بعضی نشریات ایرانی ارسالی برای ایرانیان خارج کشور، مجلاتی از قبیل «زنان» را به خاطر چاپ مقالات افرادی از قبیل من مورد شماتت و تهدید قرار داده‌اند.

با این همه پشتکار و استواری خود شما به من می‌آموزد که از این سنگانندازی‌های نابخردانه و جمود فکری و استبداد ذهنی جزم‌اندیشان نهراسم و تا آنجا که توان اندک و انرژی و وقت محدود اجازه دهد، به سهم خود به دستگیری شما ادامه دهم. فعلاً این چند خط را که از سر بی‌تابی و عشق نوشته‌ام، بپذیرید. صدای گرم و محکم و پرمحتوایان رساتر باد!

دست‌های مهربان و نوازشگران را می‌فشارم.
نیره توحیدی
پنجم مه ۱۹۹۶/لوس‌آنجلس

دوست بسیار عزیز، خانم شرکت

خواهرم مجله زنان را به خانه آورد و با اشتیاقی هر چه تمام‌تر ورق به ورق مجله را خواندیم و درباره مطالب بسیار آموزنده و خواندنی آن ساعت‌ها با هم و با دیگر افراد خانواده گفت‌وگو کردیم. همگی ما، به‌خصوص از مصاحبه فوق‌العاده ارزنده و جامع شما با خانم فائزه هاشمی لذت بردیم و فراوان آموختیم. خواهرم سرمقاله شما را خواند و گفت: «وصف‌الحال همه زنان شاغل».

و من آن را نیز با اشتیاق خواندم و به او گفتم: «وصف‌الحال همه زنان شاغل. اما او زنی در آستانه فصلی سرد نیست. او زنی است عاشق! زنی است کارآمد و مجرب اما نه تنها. ابر و باد و مه خورشید و فلک در کارند تا او تجلیات عشق خود را هر چه دلچسب‌تر به خواننده القا کند. مدیر

شب نگران از این که مبادا هیچ وقت فرصت خواندن آن را نیابد، خودم برایش با صدای بلند خواندم و سر آخر وقتی باز رسیدم به این که... و این هم / زنی تنها / در آستانه... بغض امامت نداد و دیدم که او نیز شدیداً متأثر شده و مجله را از دستم گرفته و در آن خیره مانده است...

به‌راستی چه‌طور است که بعضی‌ها این همه صمیمیت و عشقی را که از لابه‌لای این خطوط و تقریباً تمامی صفحات مجله بیرون می‌زند، قدر نمی‌شناسند؟ چه‌طور می‌توان با وجود قلب‌های پرتپش و اذهان بالنده و پویایی که پشت این صفحات «شاهیده می‌شود، به ایران و به‌خصوص به زنان آن امیدوار نبود و نیالید؟! وجود زنانی چون شما زمان‌شناس و فرادرجو و روندها و مقال‌ها و نشریاتی از قبیل «زنان» در ایران بود که مرا دوباره به سوی ایران کشانند و مرا که از روی طسردی و ناامیدی و عدم امکان و فبت‌آمد به ایران، به سوی قفقاز و آسیای میانه رو آوردید و ریشه‌های گم‌شده خود را در این غربت غرب، در میان سمرقند، بخارا، باکو و گنجه می‌جستم، دوباره شوق و امکان پرواز به تبریز و تهران و همدان و شیراز و اصفهان و... داد و سرزمین ریشه‌هایم را وسعت و تکثر بیشتری از دوشنبه تا قلیس و از مراغه تا زابل و از نیشابور تا بندرعباس بخشید... شما آزادگان و کمال‌خواهان را از صمیم قلب دوست دارم و با وجود شما هست که امروز ایران و جهان را به شوق فردایش می‌پویم، می‌جویم و می‌کارم.

نمی‌خواهم به این چند خط بسنده کنم و به مصداق اشاره‌وارتان در سرمقاله، چون «تماشاچی لحظه گل هورا بگشتم... زندگی بزنم و تبریکی و تحسینی و دیگر... باز تو بمانی و... زنی تنها...». اگر غم نان، فشار کار و بی‌ثباتی و ناامنی شغلی در دنیای پرقابوت و پراضطراب آکادمیک آمریکا بگذارد، دلم می‌خواست بخش مهمی از انرژی و خلاقیت خود را صرف همکاری با شما و امثال شما در ایران می‌کردم. اگرچه همان اندکی که تا به حال محض نمونه کرده‌ام، برایم از افراط چپ و افراط راست سنگسار و ترور حیثیت به همراه داشته

● در مورد سرمقاله شماره ۲۸ «زنان» (زخم‌های من همه از عشق است)، نامه‌هایی به دفتر مجله رسیده است که از آن میان چند نامه را منتشر می‌کنیم؛ به امید آن که سبب‌سازان طرح مشکلات زنان دیگر، در عرصه‌های دیگر، از سوی خود آنان شود.

زنان عزیز مجله «زنان»

دیشب از یک سفر دو هفته‌ای بازگشتم و امروز صبح که به سر میز کارم آمده و در صدد پرداختن به نشریات و نامه‌های تلنبار شده برآمدم، وقتی به مجله «زنان» شماره جدید (شماره ۲۸) رسیدم، آن‌چنان مرا به سوی خود کشید که بقیه مطالب را فراموش کردم و بدون این که بخواهم و حواسم باشد، تمام روز را با شوق و ولع با مجله گذرانده بودم و همراه با خطوط و صفحات آن گویی به لابه‌لای احساس‌ها و اندیشه‌های زنان در درون ایران نقب زده بودم و با این سفر خیالی دریاها فاصله جغرافیایی را درنوریده، خود را در کنار و هم‌دوش این زنان یافته، هم‌فکری و هم‌حسی کرده و انرژی و ایده گرفته بودم. این برای چندمین بار است که از مشاهده استقلال روح و اندیشه، روشن‌بینی و ذکاوت، تدبیر، زیرکی و رندی، و خلاقیت و آفرینندگی شما زنان ایران غرق در شور و امید و احساس غرور می‌شوم و نیز خجالت‌زده از کم‌کاری و پره‌دعایی خودمان در قبال زنان و ایران، آن‌هم با وجود این همه آزادی و امکانات و منابع موجود در این سوی «بنگه دنیا».

سرمقاله، یعنی... و زخم‌های من همه از عشق است» را قبل از هر چیز خواندم و بی‌اختیار اشک ریختم. یاد روزهایی افتادم که خود مسئول نشریه‌ای بودم که در خارج از ایران با امکانات محدود دانشجویی و با چه بلبختی‌ها و بی‌خوابی‌ها ولی با متتهای عشق و جنون درمی‌آوردیم... عصر که هم‌سر آمد، با هیجان نکات مربوط به مصاحبه «زنان» با فائزه هاشمی را برایش تعریف کردم و گفتم: «اما باید سرمقاله را خودت بخوانی...» آخر



مجله‌ای با انضباط و کاردان دارد. خواهری همراه و مهربان دارد. مادری دلسوزتر از مادر دارد. و به «راستی اگر اینها همه عمر دستش را نمی‌گرفتند؟» تصورش برودت تنهایی را ملموس می‌کند. او زنی است به حق سزاوار همراهی و به مصداق پشت هر زنی موفق شوهری است فهمیده و موافق، او شوهری عارف، والا و مهربان دارد که «مرغ خانگی‌اش» نمی‌خواهد. او زنی تنها نیست. او زنی است عاشق.

من زنائی تنها در آستانه فصلی سرد دیده‌ام، زنائی کارمند در جامعه‌ای شدیداً منضبط و متوقع. من زنائی کارمند و کارگر در جامعه صنعتی شهرهای بزرگ آمریکا می‌شناسم که یا بایستی کار نکنند و یا بچه‌شان مریض نشود، شقّی سومی نیست. خواهری نیست که بچه را از مهدکودک تحویل گیرد. مادری نیست که غذایی به کودک دهد، مسکن دهد و آرامش کند. شوهری نیست - خانه تنهاست - که شامش را گرم نگه دارد. هستند البته زنائی که با علم به این‌گونه تنهایی مکانیکی شبکه گسک‌رسانی با هم تشکیل می‌دهند اما فرق است میان آن‌که... دوست من، شما زنی تنها در آستانه فصلی سرد نیستید. زخم‌های شما همه از عشق است. خدا عاشق‌ترتان کند.

شهلا حائری
آمریکا، دانشگاه بستر

خانم شرکت عزیز، برای زخم‌هایت، به امید مرهم نمی‌دانم چون اشکم را درآوردی برایت می‌نویسم یا چون آنقدر صمیمی گفتمی و یا چون امروز تو را دیدم. شاید هم برای همه این‌ها. می‌خواهم بگویم خانم عزیز هرچه از دستم برآید...؟! می‌بینم همچین کمتر از شما خسته نیستم اما کمی سال‌های درد و سختی را کمتر کشیده‌ام، پس کم‌تجربه‌تر هستم. این هم که دردی را دوا نمی‌کند. خانم شرکت به شما گفته بودم که دستی به

قلم دارم و پرسه‌هایی در مطبوعات می‌زنم اما نگفته بودم که شوهرم یک آلتیه حرف‌چینی و گرافیک دارد و گرافیسیت است. حال، اگر کمکی هستیم یا اگر می‌توانیم تنها چند گرمی از آن خروارها بار روی دوشتان برداریم، در خدمت شما هستیم. تارا رستمی

● نامه زنی از سوی خانم فاطمه نوغانی، کاندیدای جامعه اسلامی پژوهشگران، به دفتر مجله رسیده است. بخش‌هایی از نامه که به نوعی با مطلب منتشر در مجله «زنان» شماره ۲۸ مربوط بوده، در زیر می‌آید و پس از آن ذکر چند نکته که ضروری می‌نماید:

صاحب امتیاز و مدیرمسئول مجله زنان:

بعذالتحیت والسلام، عطف به مصاحبه مندرج در شماره ۲۸ آن جریده محترم با سرکار خانم ناهید شید، یکی از کاندیداهای نمایندگی دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، براساس قانون مطبوعات مقدر فرمایید جوابیه زیر را در جریده محترم درج فرمایند.

هرچند براساس مطالب مذکور در جریده یادشده، که تحت عنوان «ناهید شید چرا آمد و چرا رفت»، بنا به ارسال پاسخ نداشتم و من باب و «اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً» می‌خواستم از کنار قضیه از باب تعافیل عبور کنم، ولی به مصداق «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر...» لازم دیدم از باب ان شئی کله لایدرك فعلموا ان کله لا یترک، از جهت استحضار سرکارشان مطالب زیر را یادآور شوم:

اولاً: برای اینجانب دور از انتظار بود که پرسش از یک نامزد انتخاباتی در چهارچوب زمینه فکری صورت پذیرد که در هیچ‌یک از زوایای آن جایگاهی از تفکر ارزشی اسلام مشاهده نگردد و با پیشداوری چون تکثیر عکس و انعکاس قیافه در کسب آرا یا طبق روال افراد فاقد منطق گنه را به گردن غایب انداختن مبنای پرسش قرار گیرد. آیا

واقعاً مردم آگاه و بیدارمان که در حساس‌ترین مقاطع تاریخ انقلاب آن‌چنان شکوفایی از خود نشان دادند که دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی به اتفاق انگشت حیرت به دندان گزیدند را فاقد شعور سیاسی دانستن که صرفاً براساس ظواهری جذب نماینده‌ای بشوند، دور از انصاف نیست؟

ثانیاً: نظارت عالی مقام ولایت و شورای محترم نخبگان و سایر دست‌اندرکاران امور بر کلیه مراحل انتخابات که از ماه‌ها پیش تدابیر کافی اندیشیده بودند، به‌زعم ایشان وافی به مطلوب نبوده که عنوان کلمه «جایگزین» را مطرح می‌نماید. آیا به‌گمان ایشان هر یک از افراد متعددی که به مجلس شورای اسلامی راه یافتند، هر کدام جایگزین نفر بعدی خود به‌طریق غیرمعمول گشته‌اند، الله أعلم بکل حقائق الامور.

ثالثاً: آیا با کسب حدود ۱۲۲ هزار رأی در مرحله اول برای پیشداوری پیش‌تاز بودن خودشان زود نبود هرچندکه مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز وی با کسب آرای فردی که ایشان فکر می‌کرد جایگزین او قرار دارند، در مرحله دوم در حدود ۲۰۴ هزار و ۳۲ رأی کسب نمود. دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد.

به امید به اهتزاز درآمدن پرچم اسلام بر فراز دنیا.

والسلام علی من‌التبع الهدی
فاطمه نوغانی

● مجله زنان:

۱- برای اطلاع خانم نوغانی عرض می‌شود که قانون مطبوعات ما را در قبال چاپ نامه ایشان وظیفه‌مند نکرده است زیرا در مورد شخص ایشان مطلبی در مجله چاپ نشده بود.

۲- معلوم نیست چرا برای ایشان و بعضی دیگر دور از انتظار بوده است که نشریه‌ای در مورد شایعه‌ای بسیار قوی در دوران انتخابات (شایعه رأی آوردن یک کاندیدای زن به خاطر قیافه‌اش)

سوالی مطرح کند. روشن است که ما این فرصت را در اختیار او قرار دادیم تا شخصاً و با مسئولیت خود خبر را تأیید یا تکذیب کند. آیا این بهترین شیوه برای مقابله با شایعه‌پراکنی مخرب و غالباً مبتذل در سطح جامعه نیست؟ چرا ما به راحتی از شیوع یک عمل یا خبر می‌گذریم و آن را هضم می‌کنیم ولی، درست برعکس، حرف زدن و نوشتن درباره آن را فاجعه می‌دانیم؟

۳. مشخص نیست که چرا خانم نوغانی سخن خانم شید را، مبنی بر جایگزین شدن فردی به جای ایشان، حمل بر خود کرده‌اند. خانم شید در مصاحبه خود مدعی است که بین ردیف‌های ۵۲ و ۵۶ در نوسان بوده‌است، بنابراین فرد مورد اشاره می‌توانست هرکس دیگری جز خانم نوغانی هم باشد.



شرح یک تراژدی در عصر ماهواره و موبایل

در آستانه قرن بیست و یکم، در اوج مشاجره‌های عالمانه اندر باب توسعه و تکنولوژی، در التهاب بحث‌های عادلانه در خصوص حقوق انسانی، رفاه اجتماعی، مشارکت همگانی، برنامه‌های کوتاه‌مدت و درازمدت، در دوران پیش‌بینی‌های دقیق رشد و ترقی، عصر جهش‌های تصاعدي دانش بشری، روزگار توجه به محیط‌زیست و حقوق حیوانات و گیاهان، دوران سوپر کامپیوتر، ماهواره، آمارهای درست، اطلاعات به‌نگام، تصمیمات بهینه، نظارت علمی و کنترل‌های کارشناسانه امور، عصر پُست تصویری، تلفن موبایل و صدور یک‌روزه گواهینامه و گذرنامه و... در آنجا، کمی دورتر - که نه - کنار خردمان، جلوی چشمان همه، یعنی با نظارت همگانی، بشری از خانواده بزرگ بشریت با همه حقوق و مزایایش، انسانی، شهروندی، زنی و خانم معلمی، علی‌رغم همه آن امکانات و ابتکارات پیش‌گفته و موجود در تمدن و تجدد و تحول روزگار ما و جامعه ما، با یک گرفتاری ناچیز و با مسئله‌ای یا واقعه‌ای ساده، در یکی از روزهای نیمه دوم اسفندماه جان می‌بازد. زن معلم، دلکش شاه‌بهرامی،

روی صندلی عقب اتومبیل و در مسیر کلاردشت - چالوس، تنها ۵۰ کیلومتر و کمتر از یک ساعت با مرکزی که برای او فرصت زندگی و بقا را تأمین می‌کرد، فاصله داشت. اگر بشود هرچه زودتر او را به اولین مرکز ارائه خدمات اولیه و مراقبت‌های ویژه مادران رساند، احتمال سلامتی و زنده ماندنش بسیار زیاد است.

اتومبیل شتاب می‌گیرد و پیچ‌وخم‌های جاده کلاردشت را یکی پس از دیگری به سوی چالوس پشت‌سر می‌گذارد و از حاشیه جنگل‌های زیبا و طبیعت بی‌همتا، از میان باغ‌ها و مزارع و از کنار مردمانی حیرت‌زده که به این مرکب شتابان و سرنشینان دل‌نگران‌ش نظاره می‌کنند، از جوار روستاها و مدارسی که خانم معلم، خود، سال‌های سال در آنجا درس داده و پیش از آن نیز در یکی از این روستاها و چند تا از همین مدرسه‌ها درس خوانده بود، می‌گذرد.

اتومبیل شتاب می‌گیرد و هنوز تا اولین مرکز درمانی ۳۵ کیلومتر مانده درحالی‌که زن کمتر از ۴۰ دقیقه دیگر برای زنده ماندن فرصت دارد. او، اینک، نگران فرزندان خود است، در خانه و در مدرسه. بچه‌های او در خانه در این زمستان سرد و سخت کلاردشت بیش از همه به گرمای محبت و مهر مادری او محتاج‌اند و بچه‌های مدرسه، یعنی شاگردانش نیز به محبت و مهر و معرفت او بچه‌های خانه به نوازش و آسایشی که او هر روزه برایشان مهیا می‌کرد، نیاز دارند و بچه‌های مدرسه نیز به نوازش و آموزش و تمرین و مشق و سؤال و نمره و جایزه‌ای که باز هم او فراهم می‌آورد. بچه‌های خانه... بچه‌های مدرسه.

اتومبیل شتاب می‌گیرد و او با اولین مرکزی که خدمات اولیه و مراقبت‌های ویژه را به مادران ارائه می‌کند، ۲۵ کیلومتر فاصله دارد. او، شوهرش و راننده، هیجان‌زده و آشفته، با سرعت از پیچ‌وخم جاده می‌گذرند و گویی همه‌چیز از کنار آنها فرار می‌کند و دور می‌شود: تپه‌ها، درختان، سنگ‌ها، آدم‌ها و گاهی هم بچه‌ها. بچه‌ها که از مدرسه برمی‌گشتند و هوشیارانه مراقب بودند که اتومبیل‌ها رد شوند و... این اتومبیل که خیلی عجول بود و سرگشته، تا آنها - همان‌طور که ناظم مدرسه گفته بود - به آرامی عرضی جاده را طی‌کنند و به خانه‌هایشان

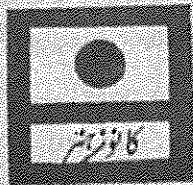
بروند.

زن معلم در خواب و بیداری و در هوشیاری و بیهوشی متناوب آن بچه‌ها را می‌دید و باز هم به بچه‌ها فکر می‌کرد: بچه‌های خانه، بچه‌های مدرسه. آه چه قدر دور است! از کلاردشت تا چالوس چند کیلومتر است، چند صد کیلومتر است، چند هزار کیلومتر است؟... و شوهرش حیرت‌زده، نگران، لرزان ... خدایا چه قدر راه مانده، چه قدر فرصت هست، چند کیلومتر، چند دقیقه؟ زن این همه را می‌دید: شویش را، دخترش را، پسرش را و بچه‌هایش را در مدرسه. از پشت شیشه اتومبیل آسمان ابری را می‌دید و کوه‌ها و جنگل‌ها را و زمین را که در نیمه دوم اسفندماه «نفس» می‌کشید و آستان بهار بود و آستان زندگی. و خانم معلم، اینک، با درد زایمان آستان مرگ.

اتومبیل همچنان شتاب می‌گرفت و از سراسیمه جاده کلاردشت با سرعت به سمت چالوس می‌گذشت و زن معلم با اولین مرکزی که خدمات اولیه و مراقبت‌های ویژه را به مادران ارائه می‌کرد، ۲۰ کیلومتر فاصله داشت. چه قدر از راه مانده، چه مدت فرصت هست، چه قدر...؟ زن معلم در صندلی عقب اتومبیل گویی به جایی خیره شد و شوهرش در کنار او آشفته و نگران و لرزان و... ناامید. اتومبیل سرعتش را کم کرد و با چراغ راهنما به کنار جاده خرید. ۲۰ کیلومتری چالوس... چرا؟ تا اولین مرکزی که خدمات اولیه را... شیون مرد بلند شد و زن گویی که از چند لحظه پیش آرام گرفته بود. شیون مرد به گوش می‌رسید اما همه‌چیز خاتمه یافته و دیگر برای رفتن عجله‌ای نبود.

در همان لحظه‌های آرامش و مرگ، اما، در آن نزدیکی‌ها، در شهر، زندگی همچنان ادامه داشت و همه آن حرف‌ها و بحث‌ها و طرح‌ها و... بی‌وقته جریان داشت و تنها در این نقطه از زمین، در ۲۰ کیلومتری چالوس، یعنی در ۲۰ کیلومتری اولین مرکزی که... درسی از کتاب زندگی پایان گرفت و درسی دیگر آغاز شد. درسی در فارسی، در تاریخ، در جغرافیا، در تعلیمات اجتماعی و در... درسی سخت و طاقت‌فرسا برای بچه‌های خانه و مدرسه.

ع.م. کلاردشتی



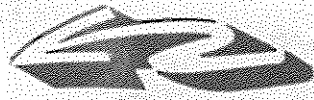
کانون هنر گنگور هنر

آموزش دروس اختصاصی هنر، طراحی، رنگ روغن، مجسمه سازی، گرافیک، فیلمبرداری، عکاسی و گرافیک

تلفن ۸۷۹۰۲۷۴

لوریم ابرو
با نازلترین قیمت همراه با آموزش
۲۵۳۸۳۸۰

فرید فیلم
فیلمبرداری و عکسبرداری از مجالس
تبدیل آلبوم عکس به فیلم - آموزش
عکاسی و فیلمبرداری
تلفن - ۸۰۰۳۶۶۷



۸۶۰۱۳۷۰
۸۶۰۱۴۵۶

زنان

راهنمای



انیستیتو زیبایی پشم
فقط با ۶ هزار تومان به وزن و سایز ایده آل خود برسید. فرمژه، رنگ مژه، کاشت مژه و کاشت ناخن، الکترولیز و زیبایی پوست و دست و صورت و آموزش کلیه موارد بالا.
برای اولین بار در ایران
تکرانی شما را در مورد ریزش مو، ابرو، مژه، شوره، و رفع چربی را از بین می برد.
۷۵۰۳۱۹۷

لاغری بدون بازگشت
فقط با ۶ هزار تومان به وزن و سایز ایده آل خود برسید.
ویژه بانوان ۶۳۰۸۱۰

تدریس پیانو
توسط استاد خانم
تلفن: ۲۰۰۵۶۸۲

ترمیم ابرو - خط چشم - خط لب
با بهترین رنگ و کیفیت عالی زیر نظر متخصص با تجربه
آموزش موارد بالا
۷۸۹۶۸۳۵

آموزش گوپ
دره اجلسه
مخصوص فارغ التحصیلان آموزشگاهها
سامری ۶۴۶۰۳۴۸
کلینیکی ترمیم ابرو و
باقیمتهای استثنایی،
ترمیم ابرو ۹۰۰۰ تومان، خط چشم ۸۰۰۰ تومان،
خط لب ۸۰۰۰ تومان، با بهترین و بادوامترین
رنگها تحت نظر متخصص
مراجعه با تعیین وقت قبلی
جلیل زاده ۸۰۲۲۶۴۶


ریاس و کلاه عروس
سفره عقد مجلل و استثنائی
۸۷۷۴۹۰۵
۲۳۶۴۲۰

سپاسچی
مهندس صادقی - شبانه روزی
۸۰۲۳۸۹۹-۶۵۲۰۴۲

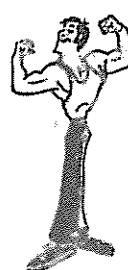
خدمات و زیبایی پوست، جلوگیری از ریزش و تقویت مو، لک، کک و مک جوش، چروک، دانه های سرسبیه و پلینگ - فقط با هزار تومان
۷۴۱۳۸۲۲

نگارخانه نقاشی
آموزش طراحی و نقاشی و تجسمی
زیر نظر استاد با تجربه (خانم)
با تحصیلات دانشگاهی در ایران و انگلیس
برای خانمها و دخترخانمها و کودکان
قائم مقام فراهانی - ۸۸۴۵۹۶۵

نوار لاغری افروز
جدیدترین و مؤثرترین وسیله
برای رفع چربیهای اضافی بدن
با استفاده صحیح از نوار لاغری افروز
تا اندازه دلخواه لاغر شوید



فروش در کلیه داروخانه ها
پارنده تاییدیه داوریت ثبت شده تحت شماره 103
92/10/3 سازمان جهانی I.A.A.F
تایید شده توسط وزارت بهداشت و درمان و
آموزش پزشکی با شماره ۷۷/۱۳۰۶۳
۷۴/۸/۲۲
تلفن مرکز پخش: ۸۷۲۰۹۲۲ - شاکس: ۸۷۲۰۹۲۶
از شهرستانها نماینده فعال می پذیریم



قابل توجه خانمهای آرایشگر
جدیدترین فن گریم عروس، کوتاه کردن مو، ترمیم ابرو و آرایش دائمی و کلیه خدمات پوستی و بهداشت پوست برای خانمهای آرایشگر شهرستانی در چند جلسه هنرجو می پذیرد.
زیر نظر متخصص از فرانسه
تلفن ۲۷۲۰۱۸
تلفن ۲۵۴۹۷۱۳
۱۰ الی ۴ بعد از ظهر
۱۱ الی ۹ شب



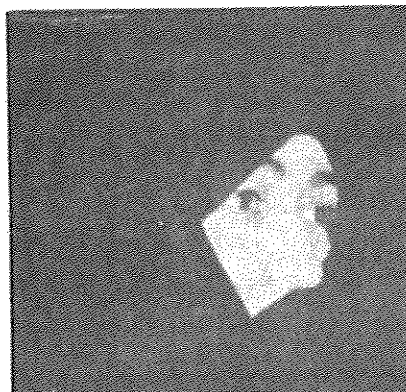
شهربانو امانی انگنه

- سال تولد: ۱۳۳۹
- محل تولد: ارومیه
- وضعیت تأهل: متأهل
- تعداد فرزند: ۲
- وضعیت تحصیلی: فوق‌دیپلم مدیریت دولتی؛ دانشجوی کارشناسی همین رشته
- سوابق اجرایی: رئیس مجتمع‌های بهزیستی آذربایجان غربی؛ مشاور مدیرکل سازمان بهزیستی استان آذربایجان غربی در امور زنان؛ دبیر شورای مشارکت زنان نیکوکار با سازمان بهزیستی استان آذربایجان غربی.

- در حاشیه: شهربانو امانی انگنه، کاندیدای منفرد حوزه انتخابیه ارومیه بین ۵۳ نفر به‌عنوان نماینده اول ارومیه به مجلس دوره پنجم راه پیدا کرد. وی در یک گفت‌وگوی تلفنی گفت: «من دور قبل هم کاندیدا شده‌بودم ولی رأی نیاوردم. در واقع من اولین کاندیدای زن در طول تاریخ [منظور تاریخ آذربایجان غربی است] هستم...»

شهربانو امانی انگنه در مورد چگونگی موفقیت خود در شهری مانند ارومیه گفت: «البته به‌خاطر تعصبات و سنت‌های موجود، مشکلاتی داشتم که بعد از تصویب اعتبارنامه‌ام در موردش صحبت خواهم کرد.»

کل آرای مأخوذه در ارومیه: ۱۹۶۸۶۰
 آرای شهربانو امانی انگنه: ۱۰۱۱۴۵
 درصد آرا: ۵۱/۳۸ درصد



سهیلا جلودارزاده

- سال تولد: ۱۳۳۷
- محل تولد: شهری
- وضعیت تأهل: متأهل
- تعداد فرزند: ۲
- وضعیت تحصیلی: کارشناسی مهندسی نساجی و پلیمر

□ سوابق اجرایی: فعالیت در اولین کمیته امداد امام در باغ گلشن طبس پس از زلزله در سال ۱۳۵۷؛ فعالیت و همکاری با آموزش و پرورش از سال ۱۳۵۹؛ فعالیت در کمیته پزشکی جهادسازندگی اهواز در زمان جنگ؛ فعالیت در سمت مدیریت مدارس شاهد و نمونه رشد یکی از نقاط محروم جنوب شهر از سال ۱۳۶۵؛ عضو شورای مرکزی جمعیت زنان جمهوری اسلامی از سال ۱۳۶۷؛ نماینده وزیر کار و امور اجتماعی در شورای فرهنگی - اجتماعی زنان وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۶۹؛ مسئول کمیته اشتغال و امور اقتصادی و اجتماعی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان؛ تأسیس دبیرستان آموزشگاه علمی دخترانه شهدای کارگر؛ نماینده وزارت کار و امور اجتماعی در دفتر امور زنان نهاد ریاست‌جمهوری.

- در حاشیه: سهیلا جلودارزاده، کاندیدای جمعی از کارگزاران سازندگی ایران، نفر سیزدهم حوزه انتخابیه تهران شد. وی معتقد است: «از سنگر مجلس شورای اسلامی می‌توان طرح‌هایی جهت رفع موانع ارتقای شغلی زنان و ایجاد زمینه‌های مناسب برای استفاده از مدیریت آنان در سطوح مختلف ارائه داد.»

کل آرای مأخوذه در تهران: ۱۴۳۱۴۳۱
 آرای سهیلا جلودارزاده: ۴۷۵۲۰۰
 درصد آرا: ۳۳/۲۱ درصد



فاطمه رمضانزاده

- سال تولد: ۱۳۳۶
- محل تولد: یزد
- وضعیت تأهل: متأهل
- تعداد فرزند: ۳
- وضعیت تحصیلی: پزشک متخصص جراحی زنان و مامایی و نازایی
- سوابق اجرایی: عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ سرپرست مرکز تحقیقات تنظیم خانواده در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، از سال ۱۳۷۲؛ مدیرکل دفتر تغذیه و بهداشت و تنظیم خانواده در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، از سال ۱۳۷۴؛ سرپرست بخش نازایی بیمارستان امام خمینی تهران.

- در حاشیه: فاطمه رمضانزاده، کاندیدای جمعی از کارگزاران سازندگی ایران، جمعیت حمایت از ارزش‌های انقلاب اسلامی و ائتلاف گروه‌های خط امام از حوزه انتخابیه تهران بود. او یکی از هشت نفری است که مورد حمایت جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران نیز بوده است. وی نفر بیست‌وششم انتخابات تهران شد.

کل آرای مأخوذه در تهران: ۱۴۳۱۴۳۱
 آرای فاطمه رمضانزاده: ۳۸۹۰۳۶
 درصد آرا: ۲۷/۱۸ درصد

۱۰ به

نتیجه انتخابات:





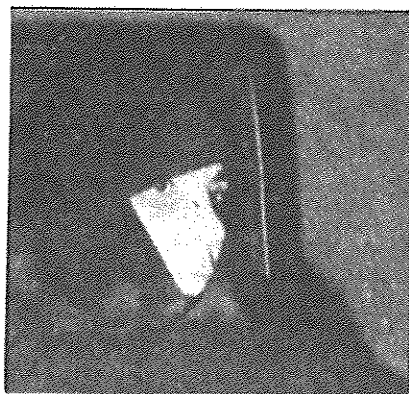
مرضیه وحیددستجردی

- سال تولد: ۱۳۳۸
- محل تولد: تهران
- وضعیت تأهل: متأهل
- تعداد فرزند: ۲
- وضعیت تحصیلی: پزشک متخصص جراحی زنان و زایمان
- سوابق اجرایی: مدیر گروه زنان و مامایی دانشگاه تهران؛ عضو هیئت متحنهٔ بورده ویژهٔ زنان و مامایی؛ عضو شورای مرکزی جامعهٔ زینب؛ عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی پزشکان؛ عضو شاخهٔ پزشکی برنامه‌ریزی ستاد انقلاب فرهنگی؛ عضو شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ عضو شورای آموزش پزشکی و تخصصی کشور؛ نمایندهٔ مجلس دورهٔ چهارم (کمیسیون بهداشتی و بهزیستی).

- در حاشیه: مرضیه وحیددستجردی، کاندیدای جمعی از کارگزاران سازندگی ایران و جامعهٔ روحانیت مبارز تهران، نفر پنجم حوزهٔ انتخابیهٔ تهران شد.

وی، به همراه سه تن دیگر، چند روز پیش از برگزاری انتخابات دور دوم از لیست کارگزاران سازندگی ایران انصراف داد. یکی از روزنامه‌های صبح تهران انصراف وی از لیست کارگزاران سازندگی ایران را عامل اصلی کاهش رأی او در انتخابات مرحلهٔ دوم دانست. گفتنی است وی تنها زنی بود که در مرحلهٔ دوم با کاهش آرا مواجه شد.

کل آرای مأخوذه در تهران: ۱۴۳۱۴۳۱
 آرای مرضیه وحیددستجردی: ۵۸۸۷۱۰
 درصد آرا: ۴۱/۱۳ درصد



منیره نوبخت

- سال تولد: ۱۳۲۹
- محل تولد: تهران
- وضعیت تأهل: مجرد
- تعداد فرزند: -
- وضعیت تحصیلی: فوق‌لیسانس فرهنگ و تمدن اسلامی
- سوابق اجرایی: فعالیت در آموزش و پرورش (تدریس در مدارس دخترانه، مسئول مراکز تربیت‌معلم دختران، مدیر مدرسهٔ رفاه)؛ عضو هیئت مؤسس جامعهٔ زینب؛ نمایندهٔ مجلس دورهٔ چهارم (کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی).

- در حاشیه: منیره نوبخت، کاندیدای جامعهٔ روحانیت مبارز تهران، نفر هیجدهم حوزهٔ انتخابیهٔ تهران شد.

وی در مورد هماهنگی کار نمایندگان زن می‌گوید: «من به سایر نمایندگان هم پیشنهاد خواهم کرد که در صورت موافقت هر کدام از ما به عضویت یک کمیسیون دربیایم که لااقل در هر کمیسیون یک زن حضور داشته باشد. هرچند که این‌طور هم باز نماینده کم می‌آوریم. به‌خصوص یکی از خانم‌ها باید به عضویت کمیسیون امور قضایی دربیاید.»

کل آرای مأخوذه در تهران: ۱۴۳۱۴۳۱
 آرای منیره نوبخت: ۴۳۳۱۸۰
 درصد آرا: ۳۰/۳۳ درصد



نقیسه فیاض بخش

- سال تولد: ۱۳۴۳
- محل تولد: تهران
- وضعیت تأهل: متأهل
- تعداد فرزند: ۲
- وضعیت تحصیلی: فوق‌لیسانس فلسفه و حکمت اسلامی
- سوابق اجرایی: معاون تحقیقات جامعهٔ زینب؛ عضو حزب جمهوری اسلامی در زمان شهید دکتر بهشتی و بعد از آن؛ دبیر سال چهارم دبیرستان در منطقهٔ ۳؛ نمایندهٔ مجلس دورهٔ چهارم (کمیسیون آموزش و پرورش).

- در حاشیه: نقیسه فیاض بخش، کاندیدای جامعهٔ روحانیت مبارز تهران، نفر یازدهم حوزهٔ انتخابیهٔ تهران شد. وی، با ۳۲ سال سن، جوان‌ترین نمایندهٔ زن مجلس پنجم است.

وی می‌گوید: «ضعف یک نماینده است که بگوید من کار خاصی زنان می‌کنم. نماینده باید به تمام مسائل (بهداشتی، صنعتی، آموزشی، بودجه، فرهنگی و ...) اشراف داشته باشد.» وی همچنین معتقد است که عمدهٔ مشکلات امروزی زنان ما مسائل قضایی است ولی کار در این مورد را به علت خلأ قانونی مشکل می‌داند.

کل آرای مأخوذه در تهران: ۱۴۳۱۴۳۱
 آرای نقیسه فیاض بخش: ۴۸۹۴۳۹
 درصد آرا: ۳۴/۱۹ درصد

۱۳۲

با این ۱۰ زن آشناشویم



فائزه هاشمی بهرمانی (رفسنجانی)

□ سال تولد: ۱۳۴۱

□ محل تولد: قم

□ وضعیت تأهل: متأهل

□ تعداد فرزند: ۲

□ وضعیت تحصیلی: لیسانس علوم سیاسی؛ لیسانس مدیریت بازرگانی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل

□ سوابق اجرایی: بنیانگذار و رئیس شورای همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی؛ نایب‌رئیس کمیته ملی المپیک؛ عضو شورای عالی ورزش جمهوری اسلامی ایران؛ دبیر شورای مرکزی شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان جمهوری اسلامی ایران.

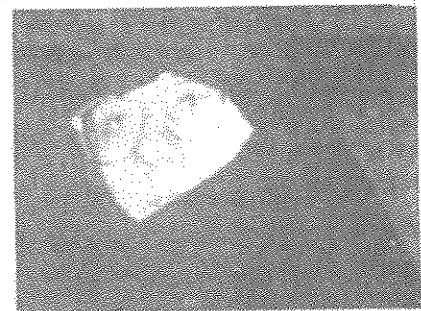
- در حاشیه: فائزه هاشمی، کاندیدای جمعی از کارگزاران سازندگی ایران، یکی از دو زنی بود که در دور اول انتخابات با پشت سر گذاشتن بیش از ۳۵۰ رقیب انتخاباتی مرد به‌عنوان نفر دوم تهران به مجلس راه یافت. وی تا آخرین لحظات شمارش آرا رقیب رئیس مجلس چهارم بود.

اطلاعات بیشتر در مورد دیدگاه و نظرات وی در مصاحبه‌ای که در شماره پیشین مجله زنان به چاپ رسید، آمده است.

□ کل آرای مأخوذه در تهران: ۲۴۴۴۱۵

□ آرای فائزه هاشمی بهرمانی: ۸۵۲۶۰۹

□ درصد آرا: ۳۴/۸۹ درصد



قدسیه سیدی علوی

□ سال تولد: ۱۳۳۰

□ محل تولد: مشهد

□ وضعیت تأهل: متأهل

□ تعداد فرزند: -

□ وضعیت تحصیلی: پزشک متخصص جراحی زنان

□ سوابق اجرایی: شرکت داوطلبانه در اولین تیم اعزامی به جبهه‌های دزفول؛ دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد؛ عضویت در شورای عالی پزشکی کشور؛ عضویت در هیئت‌بورد تخصصی کشور؛ سابقه مدیریت گروه آموزشی زنان و مامایی بیمارستان قائم (عج) مشهد؛ عضو هیئت اعزامی به چهارمین کنفرانس جهانی زن در پکن؛ نماینده مجلس دوره چهارم (کمسیون بهداشتی و بهزیستی).

- در حاشیه: قدسیه سیدی‌علوی، کاندیدای منفرد حوزه انتخابیه مشهد، در مورد مسئله اشتغال زنان می‌گوید: «اگر زن بخواهد در جامعه اشتغال داشته باشد، نباید از مسائل خانه و خانواده دور بماند... در مرحله دوم یک زن باید بتواند با همسر خود به‌عنوان یک همراه و همکار واقعی در زمینه اشتغال کنار بیاید و تقاضا داشته باشد...»

وی در دور قبل به همراه همسرش، دکتر فتاحی، به‌مجلس راه پیدا کرد. در این دوره نیز هر دو کاندیدای نمایندگی بودند که تنها قدسیه‌علوی با کسب اکثریت آرا به مجلس راه یافت.

□ کل آرای مأخوذه در مشهد: ۴۶۷۱۷۱

□ آرای قدسیه سیدی‌علوی: ۱۸۵۰۰۰

□ درصد آرا: ۴۰/۲۲ درصد



مرضیه صدیقی

□ سال تولد: ۱۳۳۶

□ محل تولد: تهران

□ وضعیت تأهل: متأهل

□ تعداد فرزند: ۲

□ وضعیت تحصیلی: فوق‌لیسانس مهندسی راه و ساختمان

□ سوابق اجرایی: کارشناس مسکن و دبیر شورای برنامه‌ریزی امور زیربنایی استان خراسان؛ معاون مدیریت مسکن و عمران شهری سازمان برنامه و بودجه مرکز؛ مدیر اجرایی طرح مطالعه جامع حمل‌ونقل کشور؛ مسئول هماهنگی و تهیه برنامه پنج ساله اول کمیته امداد امام خمینی؛ مدیرعامل شرکت حمل‌ونقل بین‌المللی؛ معاون برنامه‌ریزی و پژوهش دفتر امور زنان نهاد ریاست‌جمهوری؛ دبیر کمیته

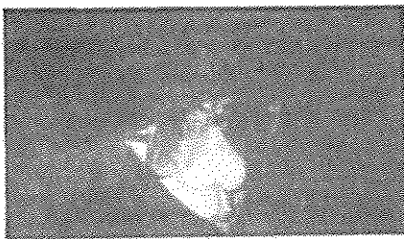
برنامه‌ریزی و اقتصادی طرح مطالعه جامع شبکه فرودگاهی و حمل‌ونقل هوایی کشور؛ عضو هیئت‌مدیره جامعه مهندسين حمل‌ونقل ایران؛ قائم‌مقام کمیته ملی چهارمین کنفرانس جهانی زن در پکن؛ مشاور در برنامه‌ریزی و منابع مالی صندوق ذخیره فرهنگیان.

- در حاشیه: مرضیه صدیقی، کاندیدای منفرد و مورد حمایت تشکل‌ها و مجامعی نظیر جامعه روحانیت مبارز تهران، جمعی از کارگزاران سازندگی ایران و جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی، به همراه همسرش، دکتر سید غلامرضا شیرازیان، از حوزه انتخابیه مشهد کاندیدای نمایندگی بود که هر دو با کسب اکثریت آرا به مجلس راه یافتند.

□ کل آرای مأخوذه در مشهد: ۴۶۷۱۷۱

□ آرای مرضیه صدیقی: ۲۲۰۵۷۵

□ درصد آرا: ۴۷/۹۵ درصد



مرضیه حدیدچی دباغ

□ سال تولد: ۱۳۱۸

□ محل تولد: همدان

□ وضعیت تأهل: متأهل

□ تعداد فرزند: ۷

□ وضعیت تحصیلی: حوزوی

□ سوابق اجرایی: قائم‌مقام جمعیت زنان جمهوری اسلامی؛ فرماندهی سپاه منطقه غرب (همدان) به مدت ۳ سال؛ مسئولیت بسیج خواهران کل کشور؛ مسئولیت تشکیل بسیج دانش‌آموزی؛ نماینده مجلس در دوره دوم و سوم.

- در حاشیه: مرضیه حدیدچی دباغ در دور دوم و سوم از حوزه انتخابیه تهران به مجلس راه یافته بود ولی در دور چهارم موفق به اخذ اکثریت لازم آرا از این حوزه نشد. وی در انتخابات این دوره کاندیدای منفرد حوزه انتخابیه همدان بود. او یکی از دو زنی بود که در مرحله اول انتخابات به مجلس دوره پنجم راه پیدا کرد. حدیدچی دباغ، ۵۷ ساله، مسن‌ترین نماینده زن این دوره است.

گفتنی است او با کسب ۶۳/۸۵ درصد آرا بالاترین درصد را در میان نمایندگان زن مجلس پنجم به‌دست آورده است.

□ کل آرای مأخوذه در همدان: ۲۱۶۰۱۵

□ آرای مرضیه حدیدچی دباغ: ۱۳۷۹۳۶

□ درصد آرا: ۶۳/۸۵ درصد

فتو دالیزم و بامداد خمار

ناهد کبیری



✦ رمان بامداد خمار، نوشته فتانه حاج سیدجوادی، که به چاپ ششم هم رسید، نگاه‌های مخالف و موافقی را به خود جلب کرد. مخالفان بیشتر از دیدگاه جامعه‌شناسی به نقد آن برخاسته‌اند و موافقان آن را به لحاظ نثر سالم و روان و بیان واقعات اجتماعی و سوق دادن جوانان و حتی میانسالان گریزان از مطالعه به کتابخوانی، کارساز می‌دانند و از آن حمایت می‌کنند. ما تلاش می‌کنیم، به دور از برخورد جانبدارانه، مجالی برای عرضه این دو واکنش نسبت به بامداد خمار فراهم آوریم. پس، از نقد و نظرهای دیگر نیز در این زمینه استقبال می‌کنیم. ✦

افراد و ساکنان آن، حتی دایه‌جان و دده خانم و فیروزخان کالسه‌کچی، از تربیت و عاطفه و اخلاق و نجات برخوردار هستند درحالی‌که تمامی افراد در طبقه کارگر و زحمتکش و بی‌پول، پست و نانجیب و بی‌سواد و فاسد، دخترانشان جلف و روسپی، و زنانشان هتاک و دروغگو و بی‌هنر و سریار معرفی می‌شوند.

محبوبه، قهرمان داستان، دختری است از خانواده‌ای مرفه؛ دختری لوس و بی‌مغز و بی‌عرضه و بی‌دست‌وپا... دختری که یکی از غم‌های بزرگش نداشتن جشن باشکوه عروسی بوده‌است. در جایی می‌گوید: «من عروسی بودم که آینه و شمعدان هم نداشت!» نویسنده وقتی که این سطور را قلمی می‌کرد، حتماً انتظار داشته است در اینجا چشم خواننده هم از اشک خیس بشود و بر عروس خانم فلک‌زده بی‌آینه و شمعدان دل بسوزاند.

نویسنده عزیز گویا فراموش کرده‌اند خوانندگانشان در چه عصر و زمانه‌ای زندگی می‌کنند و بسیاری از آنان نه‌تنها در خواب‌های شتاب‌زده شب‌هایشان آینه و شمعدان نمی‌بینند، باور بفرمایید درحالی‌که اینجا و آنجا و هزاران جای دیگر دنیا میلیون‌ها کودک معصوم در گرسنگی حاد و مزمن به‌سر می‌برند؛ درحالی‌که آلودگی هوا، فشار جمعیت،

جنگ، انفجار بمب، آهن، کامپیوتر، رباط و هزاران صدای دیگر در چهار گوشه دنیا به هزاران سوالی بی‌پاسخ کشیده می‌شود؛ و تنهایی‌ها و سرگشتگی‌های انسان قرن بیست‌ویکم فضای تنفسی او را تنگ می‌کند؛ از تصور این‌که نداشتن آینه و شمعدان در کنار بساط عقد می‌تواند جزئی از بدبختی‌ها باشد، عرق شرم از چهار ستون هیكل نحیف هر زن باشعور امروزین جاری می‌کند.

ای کاش نثر یک‌دست و شفاف خانم نویسنده ره به فضاها، رویداها و تصویرهایی می‌برد که با ساختار زندگی انسان‌های سال‌دهه‌زار یگانه‌تر، ملموس‌تر و صمیمی‌تر می‌بود. داستانی که در دام آسان‌پسندی‌های عامیانه گرفتار نیاید و پیمایی فراتر از توسری و طشت رخت و جنگ عروس و مادرشوهر و هو در بر داشته باشد. ✦

ترندی آن جسم ورزیده آفتاب‌خورده را با رنگ‌های آبی متورم تصاحب می‌کند و به کام خودخواهی‌اش می‌کشانند.

آن‌گاه، به روابط زناشویی بسیار عقب‌افتاده‌ای متعلق به عصر حجر تن درمی‌دهد. در اتاق خواب خود می‌نشیند و شب‌ها عشق‌بازی همسرش را با زنی دیگر تاب می‌آورد و دم برنمی‌زند. آب بینی آویزان و آلودگی دست و پا و صورت و لباس تنها فرزند خردسالش را می‌بیند، تربیت غلط و رهایی او را در کوچه و خانه‌های همسایه به دست مادرشوهر بی‌سواد می‌بیند و هیچ‌گونه حرکت و اراده‌ای در جهت تربیت فرزند و جمع‌وجور کردن و نظافت وی

● محبوبه، قهرمان داستان،

دختری است از خانواده‌ای مرفه

که یکی از غم‌های بزرگش

نداشتن جشن باشکوه عروسی

و آینه و شمعدان است.

از او سر نمی‌زند و به این وارفتگی و بی‌عرضگی تا آنجا ادامه می‌دهد که فرزند یگانه در حوض همسایه غرق می‌شود و سر آخر، پس از ذکر مصیبت‌های بسیار - که دل هر بنده‌ای را بر آن‌همه کاغذ سپید گران می‌سوزاند... قهرمان بی‌حالی داستان حرکتی می‌کند، جانی می‌گیرد، مادرشوهر را کتک می‌زند و با سرانگندگی به خانه پدر برمی‌گردد؛ جایی که همه چیز خوب و عالی و پسندیده است و تمامی موازین اخلاقی در آن خانه اشرافی یک‌به‌یک رعایت می‌شود؛ به طوری که وقتی با پسرعموی متأهل خود ازدواج مجدد می‌کند، گل از گل پدر و مادر و هو و سایر بستگان می‌شکند. نویسنده، دانسته یا ندانسته، مدافع سرسخت جامعه طبقاتی است. از فتو دالیزم به عنوان یک اصلی ارزشمند و پسندیده حمایت می‌کند. طبقه‌ای که از ثروت و رفاه برخوردار است و یک‌یک

در یک جامعه شصت و چند میلیون نفری که بخش کتاب شعر با تیراژ دو - سه هزار جلد مصیبت است، پنجمین چاپ رمان ۴۳۹ صفحه‌ای بامداد خمار، نوشته نویسنده محترم، خانم فتانه حاج سیدجوادی (پروین)، در این عصر گرانی کاغذ و گرفتاری و خستگی و بی‌پولی توده مردم به خواندن کتاب، اعجاب‌برانگیز بود. از این‌که نتوانسته بودم چنین کتابی را - که از جانب چندتن از دوستان روشن فکر اهل کتاب نیز تبلیغ و تعریف شده بود - بخوانم، شدیداً احساس غبن می‌کردم و بر آن شدم تا ترجمه ناتمام یک کتاب و پاک‌نویس و تنظیم مجموعه شعری را به گوشه‌ای بگذارم و رمان بامداد خمار را که اخیراً از دوست عزیزم هدیه گرفته بودم، با حرمت و اعتنا در دست گیرم.

هرچه پیش‌تر می‌رقم، احساس می‌کردم جایی در ناحیه معده‌ام می‌سوزد. شاید زخم قدیمی اثنا عشر بود یا چیزی شبیه آن... اشتباه نکنید! از سوزناکی سرگذشت قهرمان بانوی کتاب نبود؛ از فساد شوهر و بی‌رحمی‌های «مادرشوهر هم نبود؛ آن‌چه که بود، بازتاب سلیقه‌ای خوانندگان از یک قصه فنتازیک پیش‌افتاده با سوزهای بسیار کهنه و معمولی بود، متعلق به همان زمان‌های قدیمی بر باد رفته که قاعدتاً باید با تخمه هندوانه بوداده و سایر تقلات در زیر کرسی خواننده یا شنیده می‌شد... در تمامی طول کتاب بی‌صبرانه منتظر حادثه‌ای، جرقه‌ای، تحولی یا رشد و دگرگونی خاصی بودم که کتاب را به مسیر متعالی‌تری بکشاند و نجات بدهد که متأسفانه چیزی جز ادامه مصیبت‌های یک زن مازوخیست ضعیف و تپی‌مغز به وقوع نپیوست...

در هیچ‌یک از فصل‌های کتاب بوی عشق، عشقی که بر دل بنشیند و راستین باشد، نمی‌آید. آنچه در کتاب به عشق تعبیر می‌شود، تنها یک حس خام سطحی و یک کشش فرومایه جنسی است در دوران بیداری‌های جسم و بلوغ؛ عشقی که وسیع‌ترین کرانه دید و جذابیتش بالاته تومند و بال و کوبالی یک کارگر زحمتکش است که معصومانه در کارگاهش عرق می‌ریزد و دختری لوس‌نازپرورده ثروتمندی چون بختک در آستانه دکانش سبز می‌شود و به هر



ضلع سوم مثلث

گزارش سومین جشنواره سوره

● برنامه ریزان جشنواره سوره،

در یک اقدام ستودنی، منتخبی از

بهترین مستندهای ایران

را در کنار هم به نمایش گذاشتند.

● وقتی که حوزه هنری

سازمان تبلیغات اسلامی

و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

که هر دو از متولیان اصلی

فرهنگ اسلامی اند، آشان

در یک جوی نرود،

ما با کدام سلاح می توانیم

سودای مقابله با

تهاجم فرهنگی سر دهیم؟

● حضور ۱۰ فیلمساز زن

در مقابل حدود ۹۰ فیلمساز مرد،

در مقایسه با چهاردهمین

جشنواره فیلم فجر، نشان

می دهد که جشنواره سوره از حیث

جذب هنرمندان زن

موفق تر عمل کرده است.

کمبود وسایل و قراردادهای سنگین مالی برای زنان که با مشکلات علیته دیگری نیز دست به گریبانند مضاعف است. با استدلال فوق شاید عدم حضور گسترده زنان در عرصه فیلمسازی حرفه ای موجه جلوه کند اما ابزار ویدئو و کادر کوچکتر (۸ و ۱۶ میلیمتری) به دلیل شرایط ساده تر و هزینه های کمتر می تواند محل مناسبی برای تبلور انیشتیهای اینان باشد.

زنان فیلمساز شرکت کننده در جشنواره سوره ترانه عطار (انتظار)، آسیه کامیاب (همسایه ها)، خاطره سپهوند (می پوسم چرا؟)، نادره ترکمانی (بلور شکسته)، مینا زرپور (آنها که زنده اند) عذرا اینچه درگاهی (آزای)، سوسن رحیمی (دست و دستکش)، ویدا شهشانی (غنچه های باغ پردیس)، نفیسه حکمت (فیزیک نظام جدید) و ایمان شگری (هن کیستم؟) بودند که از این میان آسیه کامیاب به خاطر تجربه شیوه های متفاوت بیانی و مینا زرپور به خاطر پرداختن به موضوع بلیع موفق به دریافت لوح تقدیر شدند. همچنین از عذرا اینچه درگاهی و ایمان شگری نیز تقدیر به عمل آمد. برنامه ریزان جشنواره وعده داده بودند که در آخرین روز جشنواره جلسه گفت و شنود با فیلمسازان زن برگزار شود اما درحالی که هم تماشاگران و هم فیلمسازان زن با رغبت و اشتیاق انتظار این جلسه را می کشیدند، متأسفانه این نشست به دلایل نامعلوم برگزار نشد و جای آن با جلسه ای دیگری (که آن هم برگزار نشد) تعویض شد.

فیلم های زنان

در بین آثار یاد شده، فیلم آزای ساخته عذرا اینچه درگاهی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. این فیلم که پایان نامه دانشجویی سازنده اش بود، به مدد سوژه بکر، فیلمبرداری زیبا، بازی نور و رنگ و طرح دیلنی بود و از همان نماهای آغازین جذاب می نمود: نماهایی از دو دست که بیشتر می خوردند و از آنها خون جاری می گردد. خون سرخ به داخل شیر سفید می چکد و عروس و دامادی که پیمان زناشویی خویش را با خون بستاند، جام شیر را سرمی کشند. در این فیلم با نگاهی نمادین شیوه زندگی و آداب و رسوم دستهای از قزاقها که حدود ۶۵ سال پیش از قزاقستان شوروی به نواحی

جشنواره ویدئویی سوره که به همت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی همه ساله در اصفهان برگزار می شد، امسال، در سومین دوره اش، نسبت به سال های پیشین جهش چشمگیری داشت و اعتبار ویژه ای کسب کرد آنچنان که پس از این می توان این جشنواره را در کنار جشنواره های «فجر» و «گودگ» یکی از سه ضلع یک مثلث، که تقریباً تمام بضاعت تصویری ما را می نماید، به حساب آورد. جشنواره سوره در دوره های پیشین ویدئو را اصلاً چیزی جدا از سینما می دانست ولی دیدگاه اخیرش، مبنی بر نزدیکی فیلم و ویدئو، نشان از وسعت نگرش برگزارکنندگان داشت. همچنین، حضور تعداد زیادی از اهالی سینما و برپایی جلسات گفت و شنود و سخنرانی که گاه تا پاسی از صبح به درازا می کشید، حال و هوای مطبوعی به جشنواره امسال بخشیده بود.

در این دوره فیلمسازان معتبر و صاحب نامی در بخش های مسابقه ویدئویی و بین المللی فیلم داشتند که از جمله چهره های شناخته شده تر می توان از پرویز کیمیایی، خسرو سینایی، محسن مخملباف، منوچهر طبیب، سعید ابراهیمی فر (از فیلمسازان) و هوشنگ گلشکائی، محمدسعید محمصمی و پرویز کلانتری (از منتقدان) نام برد. می توان لیست فوق را بلندتر کرد و نام هایی همچون احمد ضابطی جهرمی، فرهاد مهرانفر و یکی - دوتای دیگر را به آن افزود. علاوه بر آن، سئولان برگزاری و اهالی حوزه هم در یک تلاش بی وقفه و شبانه روزی جهت برگزاری بهتر جشنواره کوشیدند، که دست همگی شان درد نکند.

زنان در عرصه فیلمسازی

تعداد ۱۰ فیلمساز زن در این دوره فیلم داشتند که در قیاس با حضور حدود ۹۰ فیلمساز مرد رقم قابل قبولی است. همچنین جشنواره سوره از حیث جذب هنرمندان زن در مقایسه با چهاردهمین جشنواره فیلم فجر، که از ۶۳ فیلم ارائه شده سهم زنان فقط یک فیلم بود، موفق تر عمل کرده است. یکی از دلایل کم تعداد بودن فیلمسازان زن شرایط سخت فیلمسازی حرفه ای با کادر ۳۵ میلیمتری است که در بسیاری از موارد، دشواری ها و مشکلات این نوع فیلمسازی (اعم از اخذ مجوز، یافتن سرمایه گذار،



تصویری

علیرضا خاکسار

همت‌آباد گرگان و بندرترکمن کوچ کردند، بررسی شده است. کلمه آرای در زبان قزاقی به معنی سپیده است و یکی از اسامی دختران. این فیلم که قبل‌تر در جشنواره فیلمسازان زن موفق به دریافت جایزه شده بود، در قیاس با مجموعه آثار عرضه شده در جشنواره سوره نیز اثری خوش‌ساخت و قوی بود که بسیاری به عنوان فیلم برگزیده جشنواره به آن امید داشتند.

فیلم می‌پوسم چو ۹۱، ساخته خاطره سپهوند، مسئله تکدی‌گری در سطح شهر را دستمایه قرار داده و با نفوذ به شبکه‌های بخش و توزیع گدایان و از طریق تکنیک دوربین مخفی مسئله تکدی را (که طبق قانون خلاف به حساب می‌آید) مشکلی ریشه‌دار می‌داند که از طریق باندهای مخفی هدایت و کنترل می‌شود. سازنده فیلم معتقد است که در سطح شهر تهران پنج شبکه این‌چنینی فعالیت مخفی دارند و هر روز، صبح و عصر، به جمع‌آوری و سازماندهی گدایان می‌پردازند و نوزادهای شیرخواره گریه‌ای را به شکل دوره‌ای و چرخشی هر روز به یک گدا می‌سپارند. فیلم می‌پوسم چو ۹۱ به لطف مضمون فیلم تکان دهنده‌ای بود.

آنها که زنده‌اند، ساخته مینا زریور، فیلمی است در ستایش استاد بهاری، کمانچه‌نواز چیره‌دست و فقید، که چندی پیش به سرای باقی شتافت. سازنده فیلم در تعبیر زیبایی، آدم‌ها را درهای بسته‌ای می‌داند که تا دق‌الباب نشوند، کسی از نهانشان خبر ندارد. غنچه‌های باغ پر دیسی، ساخته ویلدا شهشهبانی، بیشتر به سریال‌های ساده تلویزیونی می‌مانست و با استفاده از عناصر این‌گونه برنامه‌ها مثل حضور زوج پروین سلیمانی و محمد ورشوچی، انگار مقصودش فقط رضایت تماشاگر عادی بوده است. نادره ترکمانی نیز در مجموعه‌ده قسمتی بدآور شکسته که عمدتاً ناهنجاری‌های اجتماعی را مدنظر داشت، به موضوع تکدی‌گری پرداخته بود. اما یکی دیگر از بخش‌های این مجموعه معضل آسردگی زنان را مطرح کرده بود که متأسفانه در جشنواره نشان داده نشد.

مستندهای کلاسیک ایرانی

برنامه‌ریزان جشنواره سوره در یک اقدام ستودنی (و بی‌نظیر) منتخبی از بهترین مستندهای ایران را در

کنار هم به نمایش گذاشتند. این بخش از پرطرفدارترین بخش‌های جشنواره بود و باعث خالی شدن بقیه سالن‌ها شده بود و این مسئله اسباب ناراحتی کارگردان‌های جوانی بود که آثارشان کمتر دیده می‌شد.

به هر رو، نمایش دادن مستندهای خوش‌ساخت و صرفه‌ای همچون پ مثل پخیکان و یا ضامن آهو (کیمیایی)؛ کودک و استعمار و جام حسنیو (اصلائی)؛ اربعین و باد جن (تقوایی)؛ اجاره‌نشینی و زعفران (مختاری)؛ گاز، آتش، باد، اون شب که بارون اومد و تهران پایتخت ایران است (شیردل) و تعداد زیادی فیلم‌های خوب دیگر، برای مستدسازان جوان هم فرصت مغتنمی بود تا با تماشای این آثار فوت‌وفن کاسه‌گری را بیاموزند.

زنان در آثار مردان

جشنواره سوره که از چهاردهم تا هیجدهم



صحنه‌ای از فیلم عروسک‌های کنس

اردیبهشت ماه به طول انجامید، روز دوشنبه هفدهم اردیبهشت با نمایش سه فیلم متوالی بچه‌ها در هور بازی می‌کنند (فرزاد مؤتمن)، عروسک‌های کنس (بهرام عظیم‌پور) و معیشت (محمدرضا بحری)، تماشاگران علاقه‌مند را راضی و سیراب و تا حدودی شگفت‌زده کرد.

بچه‌ها در هور بازی می‌کنند و عروسک‌های کنس، که هر دو از تولیدات تلویزیون هستند، در مجموعه‌ای به نام «کودکان سرزمین ما» ساخته شده‌اند و «بیت دآوری لوح افتخار بهترین تهیه‌کننده برنامه‌های مستند را به دلیل تهیه این مجموعه به گروه کودک و نوجوان شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی تقدیم کرد. بچه‌ها در هور بازی می‌کنند شرح گوشه‌هایی از زندگی بچه‌های جنوب ایران است که با ساختاری منسجم و پرقدردت به‌خوبی گزارشی از کار، بازی و گذران اوقات کودکان جنوب را به تصویر می‌کشد. گرچه از ابتدای فیلم

● علی رغم اعلام جلسه گفت و شنود با فیلمسازان زن از سوی برنامه ریزان جشنواره، این جلسه به دلایل نامعلوم برگزار نشد.



پشت صحنه غنچه‌های باغ پردیس

سینمایی دارای تیزبینی لازم نیز بودند و در انتخاب آثار برگزیده، به این فیلم شاخص که وفادارانه تلاش زنان را ارج نهاده بود، بها دادند و جایزه بهترین موضوع را به این فیلم تقدیم کردند.

◀ سودای مقابله با تهاجم فرهنگی

آن طور که در طول برگزاری جشنواره عنوان شد، حدود یک هفته (با به روایتی سه روز) پیش از برگزاری جشنواره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی نامه‌ای از ستاد برگزاری جشنواره خواست که همه فیلم‌ها جهت دریافت پروانه نمایش به این اداره ارسال شود تا مجوز نمایش آنها و برگزاری جشنواره صادر شود. مدیران جشنواره سوره به دلیل ضیق وقت و عرف متداول جشنواره‌ها از این خواسته سرباز زدند و با پذیرفتن مسئولیت نمایش فیلم‌ها خواستار صدور مجوز برگزاری جشنواره شدند. اما مسئولان وزارت ارشاد ضمن غیرقانونی خواندن جشنواره سوره، اولاً دستور دادند که هیچ یک از سالن‌های سینمای اصفهان در اختیار جشنواره قرار نگیرد و ثانیاً تمام چاپخانه‌ها را از چاپ کاتالوگ و نشریه روزانه منع کردند. بدین ترتیب حوزه هنری تصمیم گرفت با امکانات موجود جشنواره را برگزار کند و از این رو نمایش فیلم‌ها در سالن‌های کوچک حوزه انجام شد و نشریه روزانه به شکل زیراکسی منتشر شد.

جشنواره سوره که به رغم این مشکلات یکی از بهترین دوره‌ها را نسبت به دوره‌های پیشین پشت سر گذاشت، نشان داد که ماهیت یک اقدام فرهنگی، پیش از آن که از حیث امکانات برگزاری و وجود سالن‌های مجلل و چاپ کاتالوگ‌های رنگی با کاغذ گلاسه سنجیده شود، از بابت ارائه و بازدهی آثار مطلوب هنری مورد قضاوت قرار می‌گیرد. و فارغ از این داوروری‌ها، وقتی که حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که هر دو از متولیان اصلی فرهنگ اسلامی‌اند، ایشان در یک جوی نرود، ما با کدام سلاح می‌توانیم سودای مقابله با تهاجم فرهنگی سر دهیم؟

حوادث بیرونی محیط زندگی دخترکان پرده بردارد، از طریق بازی و گفت‌وگوهای بچه‌ها با عروسک‌ها و با یکدیگر، مرگ، یأس، ناامیدی و شادی و امید مستتر در جریان زندگی آنان را نشان می‌دهد و در قالب این مستند هنری، جریان ملموس و عینی واقعیات را با جهان‌نگری شخصی و غیرمنتظره و بکر خود می‌آمیزد و از این رو با مستندهای گزارش‌گونه صرف، قابل تفکیک می‌نماید. محمدرضا بحری، سازنده معیشت، گویا با اولین تجربه خود در جشنواره حضور یافته بود. اما این حضور، پس از نمایشی حاصل کارش، حضوری ممتاز و قابل قبول تلقی شد. معیشت در زادگاه فیلمساز (یزد) ساخته شده است و با محور قراردادن یک روز از زندگی زنی سالخورده که خودخواسته و وظیفه تیمارداری همسر نابینایش را تقبل می‌کند، توانست جایزه بهترین موضوع را به خود اختصاص دهد. فیلمساز با توانایی چشمگیر موفق می‌شود با نقب زدن به درون زندگی کوچک و گرم زوجی فرتوت، وابستگی عاطفی و روابط حسی موجود در زندگی آنان را در فیلم جاری کند و القای این حس طی زمان نسبتاً کوتاه بیست دقیقه‌ای فیلم میسر می‌شود. معیشت حکایت تلاش مضاعف زن در چرخه مناسباتی است که اگرچه قابل تعمیم‌پذیری گسترده نیست اما نشان از توانایی‌ها و مداومت بالقوه زنانی در شرایط مشابه دارد. خوشبختانه هیئت داوران نیز علاوه بر تجارب و دانش مبسوط و غنی

راوی را پس‌رکی می‌شناسیم که با خواندن انشایی کوردکانه اوضاع خود و اطرافش را بازگو می‌کند اما فیلمساز با ظرافت به اهمیت و اختلاط تفکیک‌ناپذیر دختران کوچک در فضاهای کاری، تولیدی و تفریحی (آب‌بازی بچه‌ها که با حرکت اسلوموشن نشان داده می‌شود) پرداخته است و با شناخت دقیق و مبسوط از فضای بومی منطقه، به خوبی، تماشاگر را با موضوع درگیر می‌کند.

اما عروسک‌های گمنام بی‌تردید از قله‌های جشنواره بود. عظیم‌پور که قبلاً دستیار مخملباف و حاتمی‌کیا بوده، در اولین تجربه کارگردانی خود ثابت کرد که از تجربه‌هایش آموختنی‌ها را به خوبی آموخته و، با ذهن خلاق و جست‌وجوگر، از اسیده‌های آینده است. موضوع فیلم ساختن عروسک‌هایی از پارچه و چوب بود که با دو پرسوناژ اصلی - دو دختر بچه - به پیش می‌رفت. عظیم‌پور می‌گوید: «سنت عروسک‌سازی در گنس (از روستاهای کردستان) چیزی بود که به نسل‌های پیشین تعلق داشت و به تدریج و در گذر زمان به بوته فراموشی سپرده شده بود. زمانی که ما با هدف ساخت این فیلم به منطقه مذکور رفتیم، مادرانی که هر کدام دخترانشان را بازیگر احتمالی فیلم تصور می‌کردند، طی چندروز ساختن عروسک‌های منسوخ شده را آموزش دادند و عروسک‌سازی دوباره در گنس نزد دختران و مادران زنده شد.»

عروسک‌های گمنام، بی‌آن‌که مستقیماً از



۸۶۰۱۳۷۰
۸۶۰۱۴۵۶

راهنمای زنان



داروی گیاهی آلکساندر

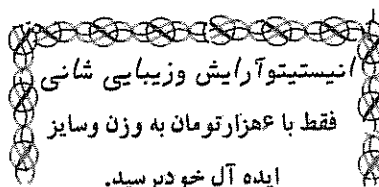
لاغری بدون رژیم - لاغری موضعی - چاق کننده -
داروی ترک سیگار و اعتیاد - جلوگیری از ریزش مو - ماسک ضد لک و جوش صورت - داروی ضد لک و پیس - ژل طبیعی - درمان دانه های سرسياه صورت - رویاندن لثه - رفع سردردهای مزمن - رفع آرتروز - تقویت معده و ساد شکم - رفع کلاهی کبد و ضعف اعصاب - تنظیم چربی و قند خون - صفرا بر - بخور پوست صورت - کرمهای ضد درسد گیاهی - زخم معده و کبیر و آلرژی - ناراحتیهای قلب - سنگ کلیه و مثانه - سیاتیک - روماتیسم - آسم و سرما خوردگیهای مزمن - رفع کک و مک - رفع گال و غیره ...

ساعات کار ۹ صبح الی ۱، ۴/۵ بعد از ظهر الی ۸ شب
نارمک خیابان پسرلانی پلاک ۱۲۰ تلفن: ۷۸۱۴۳۳۸
با تعیین وقت قبلی با مدیریت خانم زویا بافدا ساریان

هود آشپزخانه AEG

با دو سال ضمانت، دو موتور

۷۴۱۳۸۲۲



اینستیتو آرایش و زیبایی شانی
فقط با ۶ هزار تومان به وزن و سایز
ایده آل خود برسید.

معالجه کامل پوست، فرورنگ مژه،
آرایش دائم بدون درد.

تدریس برای شهرستانها مربی اعزامی
و فروش دستگاها ۸۵۴۶۹۵

دفتر خدمات مسافرتی و جهانگردی



صفا تور

با داشتن ۲۰ سال تجربه در سیاحت و زیارت
تورهای داخلی و خارجی و تهیه بلیط
مشهد، کیش، و تور امام زاده داوود
سوریه هوانی، عشق آباد زمینی
ورود میهمانان خارجی - ویزای دویی، شارجه
تورهای اطراف تهران در مسجتمی که امکانات
استخر، اسب سواری، قایق رانی و سالن ورزشی دارد

«با مدیریت سید نورالدین دربندی»
سهرودی شمالی نیش اندیشه ۳ تلفن: ۸۵۴۰۵۵

تأمین آسایش منزل
ساکنین محترم آفریقا، و لیبی، ونک،
دیگر در خانه مشکلی نخواهید داشت.
هر نوع کار برقی - لوله کشی - خورده کاری
شمارا سریع و صحیح انجام می دهیم.
۲۵۳۳۴۵۹

* در کلاس ایراندخت *

آشپزی ایرانی، فرنگی، چینی، شیرینیهای
خشک و تر، تزئین کیک و شکلات سازی و نانهای
فانتزی رایباموزید.

تلفن: ۰۲۱-۷۸۹۹۴۶-۸۷۸۷۴۴۹

ارتباط با دنیای زیبایی و پاکیزگی

شهر بزرگ

خشکشویی و سفیدشویی

کلیه البسه

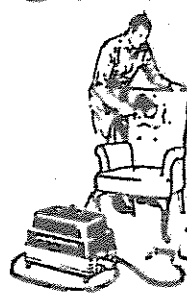
با سرویس رایگان

خشکشویی موقت، مبلمان

واکس، پارکت و کفپوش

شما نیز می توانید یکی از مشترکین
ما باشید.
تلفن: ۷۵۴۲۱۰۳

شعبه ظفر: ۲۶۰۰۰۹
شرق تهران: ۷۸۰۸۱۳۷



مینیا قهرمانترین هنرمندی ایران،

چهره خود را در یک جلسه با مینیا در استودیو پیکان کمال کنید
استاد س. مینیا ۷۸۱۳۹۲

مركز تعمیر سشوار

تحويل در سراسر تهران و ایران

تهران: خیابان سعدی - خیابان منوچهری

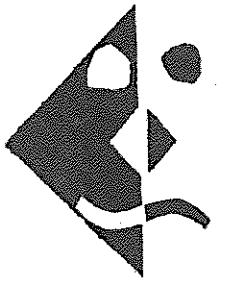
چهار راه کنت، ساختمان درفشان

(جنرال استیل سابق) طبقه همکف پلاک ۱۸-۱

۳۱۱۷۸۰۱-۳۷۸۳۷۶۷



نینا، در سفری به حقیقت



نگاهی به نمایش مرغ دریایی، اثر آنتوان چخوف، به کارگردانی اکبر زنجانیپور

● اکبر زنجانیپور، پس از سال‌ها آرزوی اجرای جدید «مرغ دریایی»، با رفع موانعی که به بحران‌های عصبی و جسمانی اش انجامید، بالاخره موفق شد آن را با گروهی متفاوت از ترکیب اولیه روی صحنه ببرد.

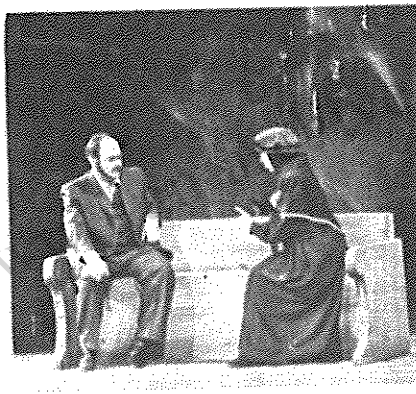
تأکید دارد. فضای امپرسیونیستی نمایشنامه‌های چخوف که در آن لحظه‌ها از اهمیت خاصی برخوردارند، در اجرای زنجانیپور، گهگاه رنگ و بویی اکسپرسیونیستی پیدا می‌کند و دنیای درونی آدم‌ها با استفاده از تغییرات نور و شکستن میزانشن‌های معمول به نمایش گذاشته می‌شود. در طول اجرای نمایشنامه، کارگردان دقیقاً بر مسئله آگاهی و مسئولیت‌پذیری انسان و به‌ویژه هنرمند برای عروج به کمال تأکید دارد. در شرایطی که صحنه‌های تئاتر کشور از امکان تجربه آثار نویسندگان خارجی محروم است، اجرای نمایشنامه مرغ دریایی فرصت نادری بود که بار دیگر شاهد اجرای اثری باشیم که در آن بر نقش حساس هنرمند در آشنا در هدایت جامعه تأکید دارد.

اکبر زنجانیپور، بازیگر و کارگردان با سابقه تئاتر ایران، سال‌ها بود که رؤیای اجرای جدیدی از مرغ دریایی را در ذهن می‌پروراند. او چندین بار کار ترمین نمایش را آغاز کرده بود اما به دلایل گوناگون، از جمله مشکل متن خارجی و کمبود بودجه و... ادامه کار به تعویق افتاد تا بالاخره پس از پافشاری و تلاش فراوان و پس از رفع موانعی که برخی از آنها به بحران‌های عصبی و جسمانی در کارگردان و سایر افراد گروه منجر شد، زنجانیپور موفق شد مرغ دریایی را با گروه متفاوت از ترکیب اولیه روی صحنه ببرد. در موعد اجرا نیز، نمایش، علی‌رغم آمادگی گروه، بی‌هیچ توضیحی از سوی مرکز هنرهای نمایشی، با دو هفته تأخیر در نهم اردیبهشت در تالار وحدت به روی صحنه رفت و یادآور این گفته چخوف شد که: «آنچه اهمیت دارد این است که پایدار باشیم و تلاش کنیم و بیاموزیم که چگونه موانع را از سر راه خود برداریم و در محور اعتقاد خود حرکت کنیم».

یادداشت‌ها:

- ۱- مرغ دریایی، چخوف، ترجمه کامران فانی، پرده چهارم، نشر اندیشه، اسفند ۵۱.
- ۲- چخوف، ولادیمیر یرمیلوف، ترجمه حسن اکبریان‌طبری، نشر مینا، بهار ۷۱.
- ۳- همان.
- ۴- همان.

نهایت راه دوم را انتخاب می‌کند درحالی‌که می‌داند نینا راه صحیح را پیدا کرده‌است. چخوف هیچ‌یک از شخصیت‌های خود را محکوم نمی‌کند بلکه تنها سعی می‌کند واقعیت تأثیرآور زندگی آنها را به معرض نمایش بگذارد. تماشاگر که خود به ضعف‌های هموعان خویش واقف است، می‌تواند بی‌هدفی و سستی آدم‌های مرغ دریایی را درک کند. اما این شخصیت‌های سرگردان همگی در برابر تحول نهایی شخصیت نینا رنگ می‌بازند. نینا بالاخره موفق می‌شود که بر



نینا خادم حقیقت و اکبر زنجانیپور در صحنه‌ای از نمایش مرغ دریایی

احساسات شخصی‌اش غلبه کند، کاری که سایر شخصیت‌های نمایش قادر به انجام آن نیستند و به همین دلیل در دور باطل پوچی گرفتار می‌شوند. اما گرایش به «تحقق خود» هدف زندگی نینا قرار می‌گیرد و این زن با تمام ویژگی‌های انسانی و قابل پاورش، استعدادهای آفرینندگی خود را در جهت ارتباط گسترده با مردم جامعه خویش به‌کار می‌گیرد تا بر آنها تأثیر بگذارد. با این نگاه، نمایشنامه مرغ دریایی، داستان پرنشیب و فراز خودشکوفایی است و از دید چخوف، تنها نینا، با روحیه صبور و مبارز خویش در این مسیر قدم برمی‌دارد. اجرای زنجانیپور از این نمایش نیز دقیقاً با همین برداشت روی صحنه آمده است و بر این پایان

مهم شهرت و افتخار یا آنچه که من دودی در آرزویش بودم نیست. مهم آن است که بدانیم چطور بر دبار باشیم، چطور صلیب خودمان را به دوش بکشیم و ایمانمان را از دست ندهیم. من ایمان دارم و کمتر آسیب می‌بینم»^۱

شاید این چند جمله که از زبان نینا، یکی از شخصیت‌های اصلی نمایش مرغ دریایی شنیده می‌شود، در کوتاه‌ترین شکل ممکن پیام نویسنده را در این نمایش به مخاطب انتقال دهد. چخوف، خود درباره مرغ دریایی چنین گفته است:

«گفت‌وگویی فراوان در باب ادبیات، بی‌عملی، توأم با فضایی از عشق‌های گوناگون، محیط این نمایشنامه را دربر گرفته است»^۲ اما به قول چخوف «خوشبختی انسان نه از راه عشق بلکه از راه حقیقت به‌دست می‌آید»^۳ و نویسنده قصد داشته است در مرغ دریایی سفری برای رسیدن به حقیقت انجام دهد. بسیاری از منتقدان بر این باورند که چخوف در نگارش مرغ دریایی «خواننده را آزاد گذاشته‌است تا برداشت خود را از نمایشنامه بکند»^۴ اما، در واقع، ملال و بی‌هدفی زندگی هنرمندان وقت روسیه، از بین‌رفتن رؤیاهای یک نسل تازه‌نفس و انهدام خلایق‌های آن توسط ابدال حاکم بر جامعه روشنفکر مآب و بورژوا، تنهایی آدم‌ها و تغییرات لحظه‌ای آنها، هر یک به تنهایی می‌تواند موضوع این اثر تلقی شود.

نینا و ترپلف هر دو نمایندگانی از نسل جوان هستند که در ابتدای نمایش، در دنیای آرام خویش زندگی می‌کنند اما مواجهه با واقعیت‌های جامعه بورژوازی و پی‌بردن به محدودیت‌های خویش، آنها را در برابر انتخابی بزرگ قرار می‌دهد: این که تلاش کنند و ادامه دهند و یا کناره بگیرند و نابود شوند. نینا واقع‌بینانه به افق چشم می‌دوزد و راه اول را در پیش می‌گیرد. او به تدریج با واقعیت‌های سخت زندگی آشنا می‌شود تا از پوسته باورهای کودکی‌اش خویشتن بیرون بیاید و خویشتن را از نو بیافریند و در این حین یاد می‌گیرد که قوی باشد و تحت هر شرایطی به راه خود ادامه دهد و هرگز به گذشته نگاه نکند. اما ترپلف آن‌چنان در تضاد دنیای واقعی و جهان آرمانی ذهنی گرفتار می‌شود که در





☆ کویسم ایرانی

- نمایشگاه نقاشی میترا دبیریان
- گالری نقش جهان
- ششم تا دهم اردیبهشت ماه
- مونا سعیدی

میترا دبیریان، فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای تزئینی در رشته معماری داخلی، پس از گذراندن کنکور وارد کنسرواتوار عالی دولتی موسیقی پاریس در رشته نوازندگی پیانو شده و سه سال با خانم‌های لوست یکاو و مادلن ژیرودو، استادان کنسرواتوار پاریس، کار کرده است و مجدداً به ایران بازگشته و وارد دانشکده هنرهای تزئینی شده و دوره چهارساله آن را با درجه ممتاز و شاگرد اول در تمام چهارسال تحصیل به اتمام رسانده و پس از آن برای اخذ دیپلم معلمی پیانو وارد «اکول نورمال دو موزیک» در پاریس شده است. وی به ادبیات و نویسندگی علاقه دارد و نقاشی و موسیقی را از اوآن کودکی به موازات هم کار کرده

است.

- خانم دبیریان با چه وسیله‌ای کار کرده‌اید؟
- رنگ و روغن.
- در نمایشگاه اخیرتان پرتره، طبیعت بی‌جان و فیگور به چشم می‌خورد. سبک کارتان چیست؟
- در پرتره‌سازی به رئالیسم بیشتر علاقه‌مندم و اصولاً اعتقاد دارم که نقاش، هرچند مدرنیست و نوگرا، باید بتواند با قدرت آثار رئالیستی به‌وجود بیاورد چرا که هنر رئالیستی الفبای هنر نقاشی است. اول باید کلمه را شناخت، بعد شعر گفت. در نقاشی هم اول باید شکل را شناخت، بعد آن را دفرمه کرد، استیلیزه کرد و آن



را درهم شکست. من در پرتره‌سازی و اصولاً هرآنچه با مدل زنده کار می‌کنم، به رئالیسم توجه دارم ولی در آثاری که ذهنی هستند، به سبک کویسم نقاشی می‌کنم. من به سبک کویسم علاقه‌مندم ولی انتخاب این سبک برای نقاشی‌هایم تنها به دلیل علاقه داشتن به این سبک نیست. ما ایرانی‌ها در ادبیات، شعر و نقاشی بسیار از موضوعات سمبلیک استفاده می‌کنیم، برای مثال گل لاله را سمبل

شهادت قرار داده‌ایم. اگر بخواهیم برای نشان دادن چنین موضوعی از سبک رئالیستی استفاده کنیم، به نظر من غیرواقعی جلوه می‌کند چرا که واقعاً در طبیعت لاله در خون نمی‌رود بلکه فقط سمبل آن است. موضوعات سمبلیک با سبک رئالیستی ناهماهنگ است، ناهماهنگی در هنر ناموفق است. سبک‌های کویسمی و یا سوررئالیستی امکان بیشتری در اختیار موضوعات سمبلیک قرار می‌دهند که می‌تواند با ادبیات و هنر ایران رابطه نزدیکی ایجاد کند.

● میان سوررئالیسم و کویسم کدام را ترجیح می‌دهید؟

○ من شخصاً نظر به این‌که موسیقی کار می‌کنم و کمی ریاضی، کویسم را به سوررئالیسم ترجیح می‌دهم، به‌خاطر قسمت‌بندی‌ها و امکان عمق دادن بدون ایجاد پرسپکتیو واقعی؛ کاملاً شبیه به مینیاتور ایران که در آن پرسپکتیو کاذب وجود دارد. البته کویسم کارهای من کاملاً با کویسم پایه‌گذاران آن، مثل پیکاسو، فرق دارد چرا که من ایرانی هستم و مثل نقاشان سنی ایران (مینیاتوربست‌ها) به کمال فرم اهمیت می‌دهم و اشکال را دفرمه یا خرد نمی‌کنم بلکه فقط آنها را استیلیزه می‌کنم.

● در بعضی فرم‌ها اغراق وجود دارد.

○ بله. اغراق در فرم‌ها را می‌پسندم. غالباً صحنه‌هایی که نقاشی می‌شوند، موضوعات روزمره‌ای‌اند که به زودی از یاد می‌روند اما با تأکید هنرمند جاودانی می‌شوند و در ذهن اثری طولانی می‌گذارند. من هیچ ایشکالی نمی‌بینم که بر روی این تأکید تشدید می‌گذاشته شود. اغراق در فرم‌ها مثل تشدید می‌ماند و تأثیر را عمیق‌تر

می‌کند. کارهای کویسمی من پاره‌ای فیگور و پاره‌ای طبیعت بی‌جان هستند، البته در این نمایشگاه.

● چرا آثارتان را قاب نکرده‌اید؟

○ به‌منظر من قاب نقاشی را محدود می‌کند و فکر می‌کنم نقاشی می‌تواند و باید بدون کمک قاب‌های شکیل ارزشمندی و زیبایی خودش را به جلوه بیاورد.

● چرا آثارتان را برای فروش نگذاشته‌اید؟

○ من این آثار را برای ترضیه خاطر خودم و بنا به نیازی که از نظر عاطفی به خلق آثار نقاشی دارم، کشیده‌ام و به آنها علاقه‌مندم.

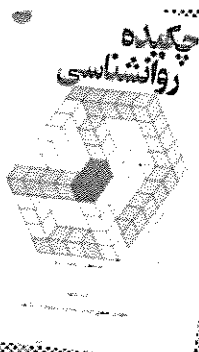
● این اولین نمایشگاه انفرادی شما در ایران است. چرا قبلاً آثارتان را به نمایش نگذاشته بودید؟

○ همان‌طوری که اشاره کرده‌ام، برای رضایت خودم نقاشی می‌کنم و تا به حال فکر می‌کردم نیازی به نشان دادن آنها نیست. نظر به این‌که هنر زبان بدون کلامی است برای برقراری رابطه با دیگران، و اثر هنری هر هنرمند نشان‌دهنده روحیات، اخلاقیات و طرز تفکر آن هنرمند است، در حال حاضر به این نتیجه رسیده‌ام که با معرفی آثار خود را آن‌طور که هستم، معرفی کنم.

● ولی گویا در خارج چند نمایشگاه داشته‌اید.

○ بله. در پاریس سه نمایشگاه انفرادی داشته‌ام. دو نمایشگاه در مراکز دولتی شهرداری و یک نمایشگاه در مرکز همبستگی فرهنگی با دانشجویان خاور نزدیک - که برای فروش نبود. چون در اروپا برداشت نادرستی از زن ایرانی می‌شود، به عنوان یک زن وظیفه خود دانستم که به سهم خودم به معرفی زن ایرانی پردازم. ■

چکیده روانشناسی



مجموعه‌ای جامع و فشرده از رئوس شاخه‌های گوناگون و مطرح در روانشناسی معاصر برای دانشجویان روانشناسی و داوطلبان ورود به دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری

- تألیف: لیندا لیل
- مترجمان: مهدی محی‌الدین
- بنیاد، نیسان گاهان
- نشر دانا
- ۲۸۸ صفحه
- ۷۵۰ تومان

◀ زلزادایی از نمایشگاه

بین‌المللی کتاب تهران

در طول برگزاری نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران - که از تاریخ ۱۸ الی ۲۸ اردیبهشت‌ماه در محل دائمی نمایشگاه‌های تهران برگزار شد - کمیته نظارت و ارزش‌یابی کتاب، در کنار سایر وظایف خود، دستور جمع‌آوری بعضی کتاب‌ها را صادر کرد.

با نگاهی به مشخصات کتاب‌های جمع‌آوری شده از غرفه‌ها به نظر می‌رسد اسامی نسبت به نویسندگان زن و یا کتاب‌هایی با موضوع زن حساسیت خاصی وجود داشت.

از جمله این کتاب‌ها می‌توان به: «از دهایی تا گمشدگی» (فروغ فرخزاد، انتشارات معین)؛ «میهمانی خدا حافظی» (میلان کوندرا، انتشارات روشنگران)؛ «شب ایلاتی عشق و چراغ‌های رابطه» (خاطره حجازی، انتشارات روشنگران)؛ «دلبدن تونی مورسون، برنده جایزه نوبل ادبی، انتشارات روشنگران»؛ «چهارراه» (غزاله علیزاده، انتشارات زستان)؛ «آمادگی جسمانی بانوان» (انتشارات نیلوفر)؛ و کلیه کتاب‌های دانیل استیل، فیثمه رحیمی و نسترن ثامنی و حتی عشق و گداز نمی‌میرد، نوشته امیلی برونته، اشاره کرد.

ناشران از دلیل جمع‌آوری کتاب‌های فوق اظهار بی‌اطلاعی کردند و گفتند: «به نظر می‌رسد که تنها عناوین کتاب‌ها مسئله بوده و در این مورد نیز تا حدی سلیقه‌ای برخورد شده است.»

گفتنی است کتاب آمادگی جسمانی بانوان در غرفه انتشارات نغمه ارائه می‌شد و در بعضی غرفه‌ها نیز کتاب‌هایی با عناوین مشابه کتاب‌های جمع‌آوری شده، نظیر اشرفزادگان دیباخته، می‌شد.

در نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، حضور ناشران زن چندان چشمگیر نبود. بخش اطلاعات و ستاد مرکزی نمایشگاه از تعداد ناشران زن شرکت‌کننده در نمایشگاه اظهار بی‌اطلاعی کردند ولی به گفته یکی از ناشران زن شرکت‌کننده در نمایشگاه از حدود ۲۰ ناشر زنی که در سراسر کشور داریم، حدود هفت الی هشت نفر در

نمایشگاه شرکت کرده بودند.

از نکات مثبت نمایشگاه اسامی می‌توان به افزایش ساعات بازدید از نمایشگاه، گسترش فضای نمایشگاه، حضور گروهی از دختران و پسران دانش‌آموز، تحت عنوان پیش‌تازان و فرزندان، برای راهنمایی مردم و ارائه بروشورها و نقشه‌های راهنما و اختصاص دو سالن به نمایش موضوعی کتب داخلی اشاره کرد.

◀ سنگسار یک زن در ارومیه

به حکم دادگاه، یک زن و مرد به اتهام قتل و زنا محصنه در حضور مردم سنگسار شدند.

شهرین سلطان‌مرادی، فرزند سیروس، در آذرماه سال ۷۳ با همدستی فرد دیگری به نام محمدعلی همتی، شوهر خود را به قتل رساند و جسد وی را پس از آتش زدن در یکی از باغ‌های ارومیه دفن کرد.

◀ بازار سه روزه انجمن ملی حمایت از حقوق کودکان ایران

برای یاری رساندن به انجمن ملی حمایت از حقوق کودکان ایران بازار سه‌روزه‌ای در اردیبهشت‌ماه برپا شد.

در این سه روز بازار که در فرهنگسرای سرو برپا شد، افراد خیر اجناس خود را از کتاب و تابلوی نقاشی گرفته تا صنایع دستی و کارهای سفال و... به فروش گذاشته بودند. یکی از اعضای انجمن در این زمینه گفت: «۳۰ درصد درآمد هر غرفه جهت کمک به انجمن اختصاص خواهد یافت.»

در کنار عرضه کالا در این بازار، برنامه‌های متنوعی نیز، نظیر تئاتر، قصه‌گویی، سرود و تکنوازی، برای سرگرمی کودکان در نظر گرفته شده بود.

انجمن ملی حمایت از کودکان ایران به همت گروهی از مربیان، معلمان، نویسندگان، هنرمندان، حقوقدانان و متخصصان تعلیم و تربیت، با هدف بهتر کردن زندگی

کودکان، از آذرماه سال ۷۴ فعالیت خود را آغاز کرده است. این انجمن مستقل، غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی است و از سه دیدگاه به حمایت از حقوق کودکان توجه می‌کند: تقنینی (توجه به قوانین مدنی کشور در مورد کودکان)، اجرایی (کوشش برای اجرای این قوانین) و اجتماعی (دادن آگاهی به جامعه در مورد این قوانین و کلاً حقوق کودکان). مهین صنعتی، یکی از اعضای انجمن، ضمن بیان مطالب فوق گفت: «ما چندان محتاج پول نیستیم. بیشتر به نیروی انسانی فعال محتاجیم که اهل عمل باشد.»

◀ ازدواج غیرقانونی زنان ایرانی با اتباع بیگانه

افزون بر ۵۰ هزار مورد ازدواج غیرقانونی زنان ایرانی با اتباع افغانی در سطح کشور صورت گرفته است. احمد حسینی، مشاور وزیر کشور و مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی، ضمن بیان مطالب فوق اظهار داشت: «روند افزایش ازدواج غیرقانونی اتباع خارجی با زنان ایرانی دولت را به شدت نگران کرده است.» وی افزود: «این ازدواج‌ها به شکل شرعی انجام شده اما چون شاقه مجوز لازم از وزارت کشور (پروانه زناشویی) می‌باشد، جنبه قانونی ندارد.»

وی عدم صدور شناسنامه برای فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها، عدم امکان تحصیل برای آنان و عدم توانایی دفاع از حقوق زن ایرانی را در شرایطی که مرد خارجی بخواهد ترکش کند، از تبعات منفی اجتماعی - فرهنگی این‌گونه ازدواج‌ها برشمرد. مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور به خانواده‌های ایرانی هشدار داد که تحت هیچ شرایطی بدون مجوز وزارت کشور به دختران خود اجازه ازدواج با اتباع بیگانه را ندهند.

◀ برگزاری کنسرت بداهه‌نوازی و بداهه‌خوانی به نفع فرهنگسازیه کودکان و

نوجوانان

حسین علیزاده، آهنگساز و نوازنده تار، ۵۰ درصد از درآمد کنسرت اخیر خود را برای کمک به انتشار فرهنگسازیه کودکان و نوجوانان به شورای کتاب کودک اهدا کرد.

فرهنگسازیه کودکان و نوجوانان نخستین دایره‌المعارف زبان فارسی برای کودکان و نوجوانان است که با بهره‌گیری از کمک داوطلبانه ۲۵۰ نفر از استادان و متخصصان در رشته‌های مختلف و تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان، در یک مجموعه ۲۲ جلدی به صورت اقیایی، منتشر می‌شود.

سوگند مافی، یکی از اعضای شورای کتاب کودک، در مورد برگزاری کنسرت بداهه‌نوازی و بداهه‌خوانی حسین علیزاده در تالار وحدت و فرهنگسرای بهمن گفت: «آقای علیزاده دو فرزند دوقلو دارند که کلاس دوم راهنمایی هستند. ایشان را فرزندان‌شان با فرهنگسازیه آشنا کرده بودند و بعد خودشان به ما پیشنهاد برپایی کنسرت دادند.»

وی ضمن اشاره به عدم اطلاع بسیاری از پدران و مادران و حتی مدارس از وجود چنین فرهنگسازیه‌ای گفت: «وجود این فرهنگسازیه در کتابخانه مدارس بسیار ضروری است اما متأسفانه مسئولان مدارس یا از وجود آن بی‌اطلاعت یا دید لازم را ندارند. فرهنگسازیه هم کالای تجاری نبود که ما از طریق تابلوهای تبلیغاتی آن را به مردم معرفی کنیم و لازم بود که با یک وسیله فرهنگی به مردم معرفی شود. برپایی این کنسرت و اصولاً چنین اقداماتی نه تنها از نظر تبلیغاتی و فرهنگی که حتی از نظر مالی هم می‌تواند تا حدودی تداوم انتشار فرهنگسازیه را تضمین کند.»

سوگند مافی در پایان افزود: «این‌که یک هنرمند هنرش را در اختیار یک کار فرهنگی می‌گذارد، بسیار دلگرم‌کننده است.»

کنسرت بداهه‌نوازی و بداهه‌خوانی در اواخر اردیبهشت‌ماه، با همکاری حسین علیزاده (نوازنده تار)، داریوش زرگری (نوازنده تنبک) و محسن کرمانی (خواننده) در دو نوبت در تالار وحدت و فرهنگسرای بهمن برگزار شد.

در آخرین روز برگزاری کنسرت

توران میرهادی، دبیر شورای کتاب کودک، ضمن اشاره به تأثیر تلاش و همدلی مردم، هنرمندان و استادان دانشگاه در جهت تداوم کار شورای کتاب کودک، خطاب به حضار در تالار گفت: «من از طرف تمام بچه‌های این سرزمین سپاسگزار آقای عزیز و کلیه کسانی هستم که در برپایی این کنسرت نقشی داشته‌اند.»

◀ نماینده اردبیل اعلام کرد: سقط جنین یک زن در حمله به یک سینما

علی محمد غریبانی، نماینده مردم اردبیل، در سخنان پیش از دستور خود در جلسه علنی ۳۱ اردیبهشت‌ماه مجلس شورای اسلامی، از سقط شدن جنین زنی در اثر حمله عده‌ای به یک سینما اظهار تأسف کرد.

نماینده اردبیل در بخشی از سخنان خود گفت: «متأسفانه چندی است پدیده‌های ظهور نموده و افراد معدودی در خیابان‌ها به ایجاد رعب و وحشت پرداخته و عده‌ای را مورد ضرب و جرح قرار داده و بسا به مخاطره انداختن امنیت عمومی و حمله به اماکن عمومی، از قبیل دانشگاه‌ها و سینماها، مردم را مورد ایذا و شکنجه قرار می‌دهند که در یک مورد نیز متأسفانه حتی به سقط جنین خانی منجر شده است.»

وی تأکید کرد که هیچ جریانی در این مقطع از این پدیده نامقدس طرفی نیست است و مسئولان باید بدون تعلل، با برخورد لازم، فرهنگ سلامت و امنیت جامعه را از صدمه بیشتر مصون نگه دارند.

◀ انصار حزب‌الله تابلوی فیلم تحفه هند را از سردر سینما پایین کشیدند

انصار حزب‌الله ۱۴ اردیبهشت‌ماه با اجتماع در برابر سینما قدس تهران، ضمن محکوم کردن مظاهر فساد و بدحجابی، خواستار پیگیری و برخورد جدی مسئولان کشور با این موارد شدند. در این اجتماع مسعود دهنمکی

ضمن اشاره به وظایف نیروی انتظامی گفت: «نیروی انتظامی ۶۰ هزار نیرو در سراسر کشور دارد که اگر هر یک از آنها بخواهند با مظاهر بدحجابی و فساد برخورد کنند، دیگر معضلی پدید نخواهد آمد.» وی همچنین تأکید کرد که اقدامات انصار حزب‌الله جنبه اصلاح‌گرانه دارد.

در پایان انصار حزب‌الله نسبت به نمایش فیلم تحفه هند در سینما قدس اعتراض کردند و تصاویر این فیلم سینمایی را از سردر سینما پایین کشیدند.

◀ عذرخواهی انصار حزب‌الله از مسئولان سینمای کشور

انصار حزب‌الله با انتشار بیانیه‌ای مسئولیت تعرض به سینما قدس را قبول کرده، اشتباه خود را پذیرفتند و از مهندس زرغامی، معاون امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، عذرخواهی کردند. انصار حزب‌الله در مورد چگونگی ماجرا آورده‌اند:

«در حاشیه تجمع برادران و خواهران انصار حزب‌الله در میدان ولی عصر «عج» که در جریان یکی از برنامه‌های امر به معروف و نهی از منکر در بعدازظهر روز یکشنبه ۷۵/۲/۱۶ صورت گرفت، تعدادی از برادران اقدام به تذکر به افرادی که شئون اسلامی را رعایت نمی‌نمودند، کرده و از ورود آنان به سینما قدس جلوگیری بعمل آوردند و نهایتاً این مسئله با اعتراض مسئولین سینما به درگیری ناخواسته‌ای که به تعرض به سینما و شکستن شیشه‌های آن انجامید، منجر شد که این تعرض به هیچ‌وجه جزء برنامه‌ها و اهداف انصار حزب‌الله نبوده است.»

انصار حزب‌الله هشدار دادند که در موقع مقتضی وظیفه خود را در قبال بعضی روزنامه‌ها انجام خواهند داد: «البته لازم به ذکر است که روزنامه‌های معاند و مسئله‌داری که هدفی جز مقابله با نظام اسلامی و معارضه با مبانی اعتقادی و ارزشی انقلاب و اسلام نداشته و علم‌پایندی آنان به دستاوردها و مقدسات انقلاب بر همگان آشکار است، همگام با

گروهک‌های ورشکسته سیاسی جدید با هدف گرفتن ماهی از آب گل‌آلود به جنجال و جعل خبر در مورد این موضوع پرداخته و با اغراض شوم اقدام به بزرگنمایی و اغراق در نقل خبر درگیری مذکور نمودند که از جمله این خبرها می‌توان به خبر ضرب‌وشتم رهگذران و... اشاره کرد. انصار حزب‌الله ضمن تکذیب شدید این‌گونه خبرها، در موقع مقتضی وظیفه خود را در مقابل این خبرپرانی‌های مفرضانه روزنامه‌ها و نشریات و گروهک‌های معلوم‌الحالی که با هدف ایجاد تقابل بین انصار حزب‌الله، و مسئولین متعهد سینمای کشور و یا با هدف انتقام‌جویی از حزب‌الله به واسطه عدم توفیق سیاسی در انتخابات صورت می‌گیرد، انجام خواهد داد.

انصار حزب‌الله در مورد موضوع تعرض به سینما قدس اعلام کرده‌اند:

«انصار حزب‌الله ضمن پذیرش صادقانه اشتباه و قبول مسئولیت مسائل پیش‌آمده، از مسئولین متعهد سینمای کشور و به‌خصوص برادر بسیجی و حزب‌اللهی، آقای مهندس زرغامی عذرخواهی می‌نماید.» انصار حزب‌الله دست‌اندرکاران فعلی معاونت سینمایی وزارت ارشاد را مجموعه‌ای متین، فهیم، دلسوز و حافظ ارزش‌های انقلاب و اسلام دانسته و آنان را جزو مجموعه انصار حزب‌الله به‌شمار آورده‌اند.

در پایان این بیانیه، انصار حزب‌الله آمادگی خود را برای کمک به برادران‌شان در امور سینمایی اعلام کرده‌اند.

◀ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد: حمله به هموطنان و ضرب‌وشتم آنها محکوم است

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای حمله روز یکشنبه، ۱۶ اردیبهشت‌ماه را به سینما قدس تهران محکوم کرد. متن اطلاعیه به شرح زیر است: طبق اطلاع واصله، روز

یکشنبه، ۷۵/۲/۱۶، عده‌ای در اعتراض به پخش یک فیلم، با حمله به سینما قدس تهران و شکستن درب و شیشه وارد ساختن ضرب‌وشتم به تعدادی از هموطنان عزیزی که برای تماشای این فیلم در سینما تجمع کرده بودند، خسارات بدنی و مالی وارد کردند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اظهار تأسف و پوزش فراوان از آسیب‌دیدگان پار دیگر این‌گونه حرکت‌های غیرمسئولانه و عمولانه را که موجب لکهدار شدن چهره نظام جمهوری اسلامی و باعث هتک حرمت مردم عزیز می‌گردد، محکوم می‌کند. یقیناً این شیوه اعتراض مورد تأیید امت حزب‌الله و هوشار نخواهد بود.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجدداً اتخاذ راه قانونی به جای برخورد مستقیم و تذکر به مسئولان مربوط را به عنوان بهترین روش تأکید می‌کند.

◀ دعوت کمیته المپیک عمان از فائزه هاشمی

رئیس شورای همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی به دعوت سازمان کمیته المپیک عمان، به منظور انجام یک دیدار رسمی پنج روزه، روز ۱۶ اردیبهشت‌ماه وارد مسقط شد.



فائزه هاشمی را در این سفر طاهره طاهریان، معاون ورزش بانوان ایران، و چندتن دیگر از دست‌اندرکاران امور ورزش جوانان و بانوان همراهی کردند. شیخ احمد بن مرهون، رئیس کمیته ملی المپیک عمان، در دیدار با هیئت ایرانی خواستار توسعه روابط ممتاز دو کشور در زمینه‌های

دوره‌های «مجله زنان» با جلد زerkوب

زنان	زنان	زنان	زنان
سال اول	سال دوم	سال سوم	سال چهارم
۱-۹	۱۰-۱۵	۱۶-۲۲	۲۳-۲۷
۱۳۷۰-۷۱	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳

علاقه‌مندان می‌توانند برای هر یک از دوره‌های اول و دوم و سوم و چهارم (شماره‌های ۱ تا ۲۷) مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۹۷۰ بانک ملی ایران شعبه سمیه به نام مجله زنان (قابل پرداخت بر شعب بانک ملی در سراسر کشور) واریز کرده، کپی رسید را همراه با آدرس دقیق، کدپستی و تلفن خود، به آدرس تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۵۵۶۳ ارسال فرمایند.

هزینه ارسال با پست سفارشی بر عهده «زنان» است.

مذهب کاتولیک، قانونی ساختن ازدواج هم‌جنس‌بازان را قض قوانین آفرینش خواند و کشیش ژان ادموندوکی، رئیس دانشگاه سالزین ایتالیا، نیز مخالفت خود را نسبت به تبعیت دولت‌های اروپایی از هلند اعلام کرد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، براساس مصوبه اخیر پارلمان ایتالیا تحت عنوان «وحدت اجتماعی»، زوج‌های هم‌جنس پس از دو سال زندگی مشترک می‌توانند خواستار رسمیت ثبت قانونی آن شوند.

براساس همین گزارش، در فرانسه نیز، به‌رغم مخالفت‌های موجود، زوج‌های هم‌جنس می‌توانند با ارائه گواهی زندگی مشترک از تخفیف خانوادگی برای حمل و نقل شهری و بین‌شهری استفاده کنند. در حالی که دستگاه‌های دولتی و پارلمان این کشور این نوع ازدواج‌ها را کماکان قانونی نمی‌دانند.

چیللر در تلاش برای

اتلاف مجدد

تانسو چیللر، نخست‌وزیر سابق ترکیه، سعی دارد با گفت‌وگو با حزب سوسیال دموکرات، شریک ائتلافی پیشین حزب راست، بار دیگر دولت ائتلافی تشکیل داده تا از برگزاری انتخابات مجدد اجتناب شود.

پس از آن‌که نمایندگان حزب اسلامی رفاه، تانسو چیللر را به اختلاس متهم کردند و از پارلمان این کشور خواستند تحقیقاتی را در این زمینه انجام دهد، قرار شد دو کمیسیون پارلمانی به اقدامات خلافی که به چیللر نسبت داده می‌شود رسیدگی و دو گزارش تسلیم پارلمان کنند. در صورت اثبات اتهام چیللر، وی برای محاکمه تسلیم دادگاه قانون اساسی ترکیه خواهد شد.

در پی این مسئله و اعلام موافقت برخی نمایندگان حزب مام میهن، به رهبری مسعود ایلماز، برای رسیدگی به این اتهامات کمیته اجرایی حزب راه راست، به رهبری تانسو چیللر، تصمیم خود را مبنی بر خروج دولت ۱۱ هفته‌ای ایلماز از ائتلاف حاکم بر ترکیه اعلام کرد.

عام‌المنفعه و ایراد سخنرانی‌های مختلفی در نکوهش فساد اداری و سیاستمداران خودمدار به تدریج چهره‌های جدید از خود ارائه کرده است. یکی از اقدامات وی تأسیس بیمارستانی در لاهور برای مداوای بیماران سرطانی بوده است.

وی که در ابتدا خود را تنها یک مصلح اجتماعی می‌دانست و ادعا می‌کرد که از ورود به صحنه سیاست اکراه دارد، با اصرار طرفدارانش با تأسیس حزب «طریق انصاف» در صحنه سیاست پاکستان مطرح شده است.

عمران خان با انتقاد از جو سیاسی موجود در پاکستان می‌گوید: «مردم این کشور حقوق سیاسی خود را از دست داده‌اند. تنها عده‌ای از برگزیدگان جامعه دارای حقوق بر انحصاری هستند. حزب طریق انصاف در صدد است که عدالت اجتماعی را در این جامعه برقرار سازد.»

گفتنی است که احزاب مخالف دولت بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر پاکستان، کوشیده‌اند عمران خان را راضی به ائتلاف کنند اما تاکنون موفق نشده‌اند.

رسمیت یافتن

ازدواج‌های غیرمتعارف در اروپا

به رسمیت شناخته شدن ازدواج‌های غیرمتعارف در هلند موجب بروز واکنش‌هایی در ایتالیا شد و کاتولیک‌های ایتالیا از به تصویب رسیدن قانونی مشابه در این کشور ابراز نگرانی کردند.

لایحه به رسمیت شناختن ازدواج‌های غیرمتعارف پس از ارائه به پارلمان هلند با اکثریت آرا به تصویب رسید. بدین ترتیب هلند اولین کشور اروپایی است که ازدواج هم‌جنس‌بازان را به رسمیت شناخته است. طبق این قانون زوج‌های هم‌جنس از کلیه حقوق قانونی و خانوادگی ازدواج‌های معمولی بهره‌مند خواهند شد و می‌توانند کودکان یتیم را به فرزندخواندگی قبول کنند.

چینو کونحتی، استاد الهیات

ورزشی، به‌ویژه ورزش بانوان، گردید. وی گفت: «امیدوارم زنان کشور ما نیز به‌خوبی از تجاری که شما دارید استفاده کنند تا بتوانند در دومین دوره بازی‌های بانوان کشورهای اسلامی در پاکستان شرکت کنند.»

فائزه هاشمی، نایب رئیس کمیته ملی المپیک ایران، نیز ضمن تشکر از استقبال گرم مقامات عمانی، آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای تبادل تیم‌های ورزشی و برگزاری مسابقات دو جانبه مربی‌گری و داوری اعلام کرد.

فائزه هاشمی همچنین در ملاقاتی که با سیدفهد آل‌سعید، نخست‌وزیر عمان داشت، گفت: «باید تلاش کنیم با کارهای فرهنگی و اجتماعی و حضور در همه عرصه‌ها، از جمله ورزش بانوان با قوانین اسلامی پیش‌های غلط مربوط به زنان را در همه عرصه‌ها با ارائه فرهنگ سالم از بین ببریم.»

در خاتمه این مذاکرات مقرر شد زمینه‌های همکاری بین دو کشور در تفاهم‌نامه‌ای مشخص و برنامه آن تنظیم شود.

هیئت ایرانی در آخرین روز سفر خود نیز با شیخ عبداللہ القتیبی، رئیس مجلس شورای اسلامی عمان، دیدار و گفت‌وگو کرد.

رقیب جدید بی‌نظیر بوتو

عمران خان، کاپیتان سابق تیم کریکت پاکستان، با تأسیس حزب «طریق انصاف» وارد صحنه سیاست پاکستان شد.



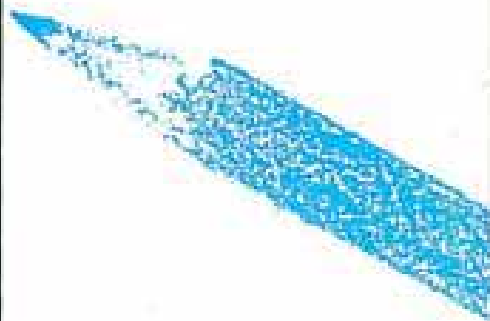
عمران خان، قهرمان ورزش پاکستان، با شرکت در امور

چانه‌کتاب

۱۴

نیمه اول تیرماه ۱۳۷۵
منتشر شد

تیرماه ۱۳۷۵ - شماره ۱۳۵ - تلفن: ۰۲۰۳۰۳۰۳۰۳۰



استدler

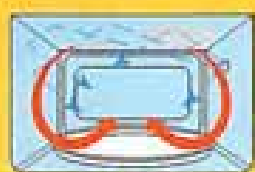
STAEDTLER

اجاقهای مایکروویو ناسیونال

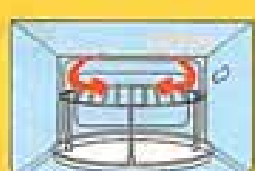
سریعترین و آسانترین روش پخت - دیرپز است و گرم کردن مجدد غذا



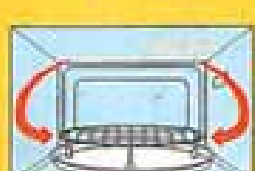
روش پخت با امواج مایکروویو



روش یخک بیزی



روش کباب کردن



روش پخت ترکیبی

NN-9853

قابلیت های مایکروویو ناسیونال:

- ۱- نفوذ امواج مایکروویو به داخل غذا باعث ایجاد حرارت زیادی می شود که با آن می توان غذاهای منجمد را سریعاً گرم کرد و یا پخت.
- ۲- گردش حرارت در داخل محفظه مایکروویو بطور یکنواخت، مناسبترین روش برای طبخ کیک و برشته کردن می باشد.
- ۳- نفوذ حرارت با فشار به داخل مواد غذایی (گوشت) موجب کباب شدن سریع می گردد (گریل).
- ۴- ترکیب حرارت حاصل از امواج مایکروویو و الکتنت برقی باعث مغز پخت شدن انواع گوشت و برشته شدن آنها میشود.



تلفن مرکز سرویس شرکت تجارتهی کوفرد: ۰۲۹ - ۲۰۲۰۰۲۸۷